

آقایان: حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری<sup>۱</sup>، دکتر حسین عیوضلو<sup>۲</sup>، دکتر محمدرحیم عیوضی<sup>۳</sup>، دکتر محمد خوش چهره<sup>۴</sup>، دکتر میثم موسایی<sup>۵</sup> و مهندس سیدمرتضی نبوی<sup>۶</sup> در میزگرد علمی راهبرد یاس با عنوان:

## جهاد اقتصادی؛ چیستی، چرایی و چگونگی

**راهبرد یاس** سال ۱۳۹۰ سال جهاد اقتصادی است. از یک نگاه در این سال، جهاد اصلی مردم و مسؤولان، در عرصه اقتصادی کشور است ولی این سخن به معنای عدم جهاد در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور نیست. همچنین به این معنا هم نیست که در سال های گذشته، جهاد نبوده و یا در سال های آینده، جهاد نیاز نیست. برای یک انسان متدین، جهاد همیشه و همه جا برقرار است. اینکه امسال، سال جهاد اقتصادی است، شاید به این معنی باشد که در سال پیش رو، جهاد در عرصه اقتصادی کشور در مقایسه با عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، فوری تر و ضروری تر است. تشکیل این میزگرد برای تبیین هر چه دقیق تر ابعاد جهاد اقتصادی است و در آن به دنبال چیستی، چرایی و چگونگی جهاد اقتصادی هستیم. محورهای اصلی بحث را این چند محور شکل می دهد:

- جهاد اقتصادی چیست؟ تعریف، هویت و چیستی آن چگونه است؟
- این نامگذاری چرا انجام گرفته است؟
- تحقق جهاد اقتصادی چگونه صورت می پذیرد و نوازم و الزامات آن کدام اند؟

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۳- عضو هیأت دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۴- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۵- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۶- عضو شورای علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ضمن تشکر از اساتیدی که لطف کرده و در این میزگرد حضور به هم رساندند، بحث را در ضرورت و فلسفه نامگذاری‌های سال‌های اخیر با فرمایشات جناب آقای دکتر علی‌اکبری آغاز می‌کنیم.

**حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی‌اکبری:** برای تبیین بهتر این سؤالات و محورها، مطالب خود را در دسته‌بندی دیگری عرض می‌کنم با این هدف که به ابعاد بیشتری از موضوع پرداخته باشیم. حکمت نامگذاری‌ها، ضرورت‌های نام امسال، مفهوم، زمینه‌ها، الزامات، شاخص‌ها، وظایف و آفت‌ها.

در ابتدا نیاز است که به فلسفه نامگذاری این سال‌ها توجه کرده و به طور کلی نقش و تأثیر این نامگذاری‌ها را بررسی کنیم.

محور دوم، ضرورت‌ها و دلایل انتخاب نام «جهاد اقتصادی» برای سال جاری است.

محور سوم: مفهوم‌شناسی و تعریف و تبیین جهاد اقتصادی و شناخت چیستی آن است.

محور چهارم: شناخت زمینه‌های این شعار است. اگر از بسترهای موجود برای تحقق شعار «جهاد اقتصادی»، تحلیل درستی نداشته باشیم، به اهداف مورد نظر از این شعار نخواهیم رسید.

محور پنجم: الزامات، استلزامات، و بایدها و نبایدهای مربوط به این شعار است.

محور ششم: توجه به ملاک‌ها و معیارهای مفهوم جهاد اقتصادی می‌باشد.

محور هفتم: روشن‌تر شدن وظایف و تکالیف در حوزه‌های مختلف در رابطه با جهاد اقتصادی است.

آسیب‌شناسی جهاد اقتصادی و بررسی چالش‌ها و موانع و آسیب‌هایی که در مسیر تحقق جهاد اقتصادی ممکن است وجود داشته باشد، بحث آخر و دیگری است که می‌تواند مفید و مغتنم باشد.

این موارد در محورهای اصلی مورد نظر فصلنامه هم قابل ملاحظه و تطبیق است.

در مورد نامگذاری سال‌ها، می‌توان یک ارزیابی و مرور کلی داشت. مقام معظم رهبری در پیام‌های نوروزی خود با ابتکار برای هر سال یک شعار نام ویژه‌ای انتخاب کرده که ترتیب نامگذاری سال‌ها به شرح زیر بوده است:

۱۳۶۹- تحول درونی و اصلاح امور

۱۳۷۰- صبح روشن

۱۳۷۱-تحکیم معنویت

۱۳۷۲-عدالت اجتماعی

۱۳۷۳- صرفه جوئی و پرهیز از ریخت و پاش

۱۳۷۴-وجدان کاری، انضباط اجتماعی و انضباط اقتصادی

۱۳۷۵- ضرورت پرهیز از اسراف در استفاده از ثروت عمومی، منابع مالی و طبیعی کشور

۱۳۷۶- توجه به معنویات و فضائل اخلاقی

۱۳۷۷- پرهیز از اسراف، رعایت صرفه جوئی و نیز پایداری بر مواضع اسلامی و انقلابی

۱۳۷۸- امام خمینی (ره)

۱۳۷۹- امیر المؤمنین (ع)

۱۳۸۰- اقتدار ملی و اشتغال آفرینی

۱۳۸۱- عزت و افتخار حسینی (ع)

۱۳۸۲- نهضت خدمت رسانی به مردم

۱۳۸۳- سال پاسخگویی سه قوه به مردم

۱۳۸۴- همبستگی و مشارکت عمومی

۱۳۸۵- پیامبر اعظم (ص)

۱۳۸۶- اتحاد ملی و انسجام اسلامی

۱۳۸۷- نوآوری و شکوفایی

۱۳۸۸- اصلاح الگوی مصرف

۱۳۸۹- همت مضاعف و کار مضاعف

۱۳۹۰- سال جهاد اقتصادی

مطلب اول در مورد حکمت این نامگذاری‌ها است. وظیفه و کارکرد اصلی رهبری در اسلام هدایت همه جانبه و راهبری جامعه به سوی وضعیت بهینه در همه زمینه‌هاست. جهت‌دهی به جامعه با انتخاب شعار، یکی از روش‌های بسیار مؤثر است. با این کار یعنی انتخاب یک نام برای هر سال، عملاً وحدت کلمه سالیانه‌ای بوجود می‌آید و یک موضوع، همه صحبت‌ها و گفتمان‌های آن مقطع را به صورت هدف‌دار، جهت‌دار و هدایت شده، شکل می‌دهد. این کار در واقع اشاره کردن به نقطه‌ای است که نیاز بوده تا افکار و اندیشه‌ها به آن متوجه شود. برخی از دیگر حکمت‌های قابل طرح در این مورد عبارتند از:

- سامان دادن گفتگوها و مباحثات جامعه؛
  - بسترسازی برای تولید ادبیات علمی لازم در زمینه موضوع مطرح شده؛
  - خارج کردن برخی از مفاهیم ارزشی که در انزوا و حاشیه بوده‌اند؛
  - تبیین مفاهیم ارزشی و مؤثر و ورود آنها به صحنه جامعه؛
  - با این نامگذاری همه توان مردم و دولت در نقطه‌ای متمرکز می‌شود تا در عمل راهبردی سالیانه اتخاذ گردد (هدف گذاری ملی).
- به علاوه این کار کمک مهمی به اصلاح فرهنگ عمومی بوده است زیرا بجای نامگذاری سال‌ها به نام حیوانات، فرهنگ را از خرافه‌ها نجات داده است.
- بنابراین این نام‌گذاری‌ها، حکیمانه بوده و از فلسفه عمیقی برخوردار بوده است. بعلاوه، موفق و اثربخش بوده و می‌توان این روند را بسیار مثبت تلقی کرد. علاوه بر این نکات، توجه به جنبه‌های سلبی نامگذاری هر سال هم مفید است. این نامگذاری‌ها در دوران سازندگی و دوران اصلاحات از برخی انحرافات جلوگیری می‌کرد و در فضاسازی‌های مناسب و هدایت مسیر بسیار مفید بود. این نامگذاری‌ها علاوه بر جنبه‌های ایجابی، جنبه‌های سلبی بسیار مفیدی هم داشتند.
- در مسائل داخلی دو مطلب در این نامگذاری‌ها مشهود بوده است: ۱- کارآمدسازی نظام؛ ۲- مقابله با برخی از موضوعات انحرافی.
- علاوه بر این حکمت‌های عمومی، نام هر سال دارای حکمت‌های خاص خود نیز بوده و به نوعی مهمترین دغدغه آن سال بوده است. اینکه کار انجام شده در مجموعه نظام برای این نام‌ها در خور بوده است یا نه، قابل تأمل است.
- یک مطالعه و کار عمومی در مورد این عناوین لازم بوده که انجام شود، به عنوان مثال تبیین مفهومی و نظری این نام‌ها و ارائه یک تعریف جامع و یا کاربردی کردن آن‌ها؛ در این میان چیزی که مهم‌تر بوده ولی زمین مانده است، کاربردی کردن این شعارها بوده است.

**دکتر علی اکبری:** در ادامه محور اول، یعنی دلایل نامگذاری امسال به سال جهاد اقتصادی، چند مطلب حائز اهمیت است. بررسی ضرورت‌ها و دلایلی که به این انتخاب منجر شده در

شناخت سایر محورها نیز کمک زیادی می‌کند.

نکته اول و ضرورت نخست در انتخاب این نام، حمایت از برنامه‌های اقتصادی دولت است. سال ۹۰، به لحاظ طرح‌های اقتصادی دولت، سالی استثنایی است؛ ایجاد ۲/۵ میلیون شغل، دو برابر شدن اعتبارات عمرانی، حل مشکل مسکن در سال ۹۰، عمران روستایی، محرومیت‌زدایی، هدفمند کردن یارانه‌ها در بخش تولید، تحول در نظام بانکداری، مالیات، بیمه و تأمین اجتماعی در مجموع ۷ بسته اقتصادی دولت را شکل می‌دهد. به این ملاحظه هم باید توجه کرد که سال ۹۰، سال سوم دولت است و مهمترین سال هر دولتی در ثمر دادن طرح‌هایش محسوب می‌شود و در سال چهارم توجه به مسائل انتخابات می‌تواند بر جو روانی جامعه و تلاش مسئولان تأثیرگذار باشد.

در سال‌های اخیر اصلاح رفتار اقتصادی بسیار مورد توجه بوده و مقام معظم رهبری، اصلاح رفتار اقتصادی را از عوامل بسیار مهم در کارآمدی نظام می‌دانسته‌اند. بسیاری از برنامه‌های دولت نیز در سال جاری معطوف به اصلاح رفتار اقتصادی و صرفه‌جویی می‌باشد. همه این موارد ضرورت حمایت همه جانبه از دولت را نشان می‌دهد. مقام معظم رهبری از همه دولت‌ها حمایت می‌کرده‌اند و به طور خاص از دولت فعلی به دلیل طرح‌های اقتصادی‌اش حمایت جدی داشته‌اند.

نکته دیگر ضرورت بعدی اینکه امسال، سومین سال از دهه پیشرفت و عدالت است. با توجه به اینکه بروز و ظهور اصلی پیشرفت و عدالت، در زمینه‌های اقتصادی است، مناسب بود که یکی از سال‌های ابتدایی این دهه، در موضوع اقتصادی باشد.

مسئله دیگر در مورد تحریم‌ها است. «جهد» وقتی است که مبارزه‌ای وجود داشته باشد و تهدیدی که از جانب تحریم‌ها برای ما وجود دارد، موضوعی است که ضرورت نگاه جهادی به اقتصاد را مضاعف می‌کند. مقام معظم رهبری هم اشاره داشتند که اساسی‌ترین کارهای دشمنان ملت ما، در عرصه اقتصادی است. همچنانکه آسیب‌پذیری ما نیز در عرصه اقتصاد بیشتر است.

وقتی از عنوان جهاد استفاده می‌شود، خود این عنوان برانگیزاننده است و باعث می‌شود که افراد احساس مبارزه داشته باشند و با تمام قوا به جهاد پرداخته و توفیق بیشتری داشته باشند.

جنبه دیگر توجه به جهاد اقتصادی، الهام‌بخشی است که در سند چشم‌انداز هم مورد توجه قرار گرفته است. کشور و مردم در صورتی می‌توانند الهام‌بخش باشند که در اقتصاد موفق بوده باشند. اگر ما در اقتصاد ناموفق باشیم، ولی فرهنگ و سیاست خوبی داشته باشیم، الهام‌بخشی ما

مخدوش است. حرف برخی از اندیشمندان مصری به مردمشان در برخی از تظاهرات و تجمع‌های اعتراض‌آمیز این بود که ما به آمریکا وابسته مانده‌ایم ولی ایرانی‌ها آزاد شده‌اند و بعد از ۳۰ سال در حال تسخیر فضا هستند. چیزی که برای روشنفکران و مردم این کشورها جاذبه دارد، این جنبه‌های انقلاب اسلامی است.

یک زوایه دیگر در شناخت ضرورت این نامگذاری اینکه تحولات منطقه دیر یا زود به نتایج خوبی خواهد رسید و بالاخره این کشورها یکی پس از دیگری از غرب جدا شده و به دنبال جایگزینی برای غرب هستند. اگر کشوری نباشد که خصوصاً در مسائل اقتصادی الگو بدهد، ممکن است این کشورها دوباره به دام غرب بیفتند. پیش‌بینی مسئولیت‌هایی که ناشی از تحولات فعلی منطقه است، در نامگذاری امسال بی‌تأثیر نیست.

**راهبرد یاس**  
**البته حرکت فرهنگی و سیاسی مردم ایران هم در الگوسازی برای کشورهای منطقه و تأثیرپذیری از ایران، بسیار در خور توجه بوده است.**

**دکتر علی اکبری:** بله، این تأثیرگذاری درست است ولی توجه به اقتصاد، به معنای نفی تأثیرگذاری فرهنگی و سیاسی نیست. توجه به اقتصاد مطلبی مهم در کشورهای منطقه است که اگر پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای الگو شدن و الهام‌بخش بودن در حوزه‌های اقتصادی نداشته باشیم، ممکن است این کشورها دوباره به دام غرب گرفتار آیند. پشتوانه استقلال سیاسی و فرهنگی، استقلال اقتصادی است. اگر ظرفیت‌های اقتصادی را ایجاد نکرده باشیم، در آینده‌ای نه چندان دور در مقابل تحولات منطقه منفعل خواهیم بود.

توجه به این نکته هم خوب است که ظرفیت‌سازی و کارهای زیربنایی که از قبل انجام گرفته، در مقطع زمانی فعلی به نتیجه دادن نزدیک شده است که می‌تواند بر این نامگذاری مؤثر بوده باشد.

**راهبرد یاس**  
**با تشکر. آنچه فرمودید، پاسخی به چرایی جهاد اقتصادی بود، در مورد چیستی جهاد اقتصادی چه نظری دارید؟**

**دکتر علی اکبری:** در باب چیستی جهاد اقتصادی چند مطلب اساسی در این مفهوم وجود دارد. مفهوم اولیه و ظاهری این است که تلاش‌های موجود کفایت نمی‌کند و این حرکت عادی در عرصه اقتصادی کافی نیست. حتماً بایستی یک جهش و تمرکز جدی بر این تلاش و فعالیت اقتصادی داشته باشیم.

مفهوم دوم: جهاد به معنای مقابله و رویارویی است. یعنی دشمنی در مقابل ماهست که ما بایستی در مقابل او و برای جلوگیری از آسیب‌پذیری در مقابل او، با او جهاد کنیم. زاویه دیگر اینکه، عرصه اقتصاد در کشور ما در سال‌های گذشته تا حدود زیادی متأثر از مبانی و ادبیات اقتصادی غربی، آلودگی‌ها و رنگ باختگی‌هایی پیدا کرده است. یعنی آن نگاه الهی و انسانی و کار اقتصادی ممدوح نسبت به این مقوله وجود ندارد. انتخاب واژه جهاد و اضافه کردن آن به اقتصاد پیام‌آور تصحیح مبانی اقتصادی است. یعنی نگاه ما به اقتصاد نگاه دینی، قرآنی و اسلامی است.

نکته دیگر تصحیح نیت‌ها و انگیزه‌ها در کار اقتصادی است. اگر نیت‌های سودجویی، افزون‌طلبی، زیاده‌خواهی، در فضای اقتصادی ایجاد آلودگی کرده است، بایستی به نوعی تطهیر شود و از این ذهنیت‌ها جدا شویم.

واژه جهاد اقتصادی، تفاوت قائل شدن بین اقتصاد اسلامی و غربی در همه مباحث را به دنبال خواهد داشت. جهاد اقتصادی تا حدی خط‌کشی کرده و بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی تمایز ایجاد کرده است. کما اینکه القای روح عبادی و روح معنوی هم مورد تصریح مقام معظم رهبری بوده است. مثلاً ایشان فرمودند هر کاری که برای اعتلای عزت اسلامی، اعلاای کلمه توحید و پیشرفت ملت مسلمان باشد، حالت جهاد اقتصادی پیدا می‌کند. امروزه هنوز هم ذهنیت‌های منفی بسیاری در مورد خلق ثروت، کارآفرینی و امثال آن وجود دارد که بایستی اصلاح شود. استفاده از این واژه می‌تواند ذهنیت‌ها را در این مورد اصلاح کند.

نکته دیگر اینکه وقتی که به کار اقتصادی، نگاه جهادی داشته باشیم، نتیجه‌اش برکت خواهد داشت و تفاوت‌های معنوی کار را نبایستی نادیده گرفت.

مطلب سوم در مورد مفهوم جهاد اقتصادی اینکه ما ظرفیت جهادی بسیار بالایی در کشور داریم که از این ظرفیت جهادی در پیروز شدن انقلاب بر نظام طاغوت، و در جنگ تحمیلی و دفاع مقدس از آن بهره برده‌ایم ولی بعد از دفاع مقدس، جز در مواردی مانند انتخابات، راهپیمایی‌ها و برخی از حرکت‌های سیاسی از این ظرفیت جهادی استفاده نکرده‌ایم. طرح هدفمند کردن



یارانه‌ها نشان داد که می‌توان مردم را مشارکت داد و ظرفیت بالایی در این رابطه وجود دارد. به نظر من به میدان کشیدن و باز کردن دریچه‌ای برای استفاده کردن از این ظرفیت عظیم جهادی در کشور و سوق دادن نظام به بهره‌گیری از چنین ظرفیتی، یکی از ابعاد مفهومی جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی، ظرفیت خفته، در حاشیه، بی‌تحرك و بی‌انگیزه را به میدان می‌آورد. «جهاد اقتصادی» مفهومی متعلق به حضرت امام(ره) است. امام(ره) این واژه را به کار برده بودند و بسیار زیبا در صحیفه نور جلد ۱۷، صفحه ۲۳۷ می‌فرمایند:

«برادران عزیزم! ما در عصری واقع شده‌ایم که ظلمت دنیا را گرفته است. ما در عصری واقع شده‌ایم که ارزش‌های انسانی به کلی از بین رفته و به جای آن ارزش‌های غیر انسانی و شیطانی نشسته است. ما در عصری واقع هستیم که شیاطین عالم، هجوم به انسان‌ها و ارزش‌های انسانی آورده‌اند و می‌خواهند که دنیا را به سلطه شیطان در آورند. ما در این عصر با اتکا به خدای تبارک و تعالی و استمداد از اسلام و قرآن کریم و ولی عصر - سلام الله علیه - باید خودمان کوشش کنیم و خودمان جهاد کنیم؛ جهاد در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، جهاد در کارخانه‌ها و کارگری‌ها، جهاد در کشاورزی‌ها، جهاد در مدارس، جهاد در دانشگاه‌ها، جهاد در همه جا، جهاد در جبهه‌ها و جهاد در پشت جبهه‌ها،...».

در جای دیگری ایشان فرموده‌اند:

«امروز شما باید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید. فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است. شما امروز همه‌تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید، چه در کارخانه‌ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید، و چه در کشاورزی، هر کس هست و چه در سایر کارخانه‌ها که هست. وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند و برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند، عقب نگه داشته شدند، نگذاشتند رشد معنوی بکنند، رشد مادی بکنند، وقتی با این ایده شما خدمت بکنید؛ شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه‌ها. همان طوری که مجاهدین ما در جبهه‌ها مجاهدت می‌کنند، و عبادت خدا را در آنجا می‌کنند، شما هم در پشت جبهه‌ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام می‌دهید» (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۷).

با توجه به جملات حضرت امام(ره) یکی از ابعاد مفهومی جهاد اقتصادی، بازگرداندن اندیشه



اقتصادی کشور به اندیشه‌های حضرت امام (ره) است.

امام (ره) در جای دیگری می‌فرماید: «ان شاء الله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می‌کنند و این وظیفه اخلاقی - شرعی را ادا می‌کنند، به همه توفیق عنایت کند. همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و آن خرابه‌ها را بسازند، و برادران خودشان را کمک کنند؛ که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد. بلکه من می‌خواهم از اشخاص که برای زیارت‌ها، برای مکه معظمه، برای مدینه منوره می‌خواهند بروند، لکن به طور استحباب می‌خواهند بروند، من می‌خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می‌خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می‌خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید؛ امروز ثوابی بالاتر از این نیست که به برادرهای خودتان کمک کنید و این سازندگی را همه با هم شروع کنید و ایران خودتان را درست کنید».

این نگاه را اگر در اقتصاد تبلیغ و تبیین کنیم، اتفاق مهمی است و یکی از ابعاد جهاد اقتصادی نیز همین است. ایشان در جلد ۷، صفحه ۱۳۶ می‌فرمایند همان ثوابی را که شما از زیارت‌ها می‌خواهید، خداوند به شما در این جهاد خواهد داد.

«شما در حال جنگید، در حال جنگ اقتصادی و این خود محاربه‌ای بین اسلام و کفر است». بعد ایشان اضافه می‌کنند که مطلبی که می‌گویم، موعظه نیست بلکه واجب و تکلیف است. (صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۱۷).

اگر مفهوم جهاد اقتصادی، تکیه بر تولید و دانش بنیان کردن تولید است؛ مورد اشاره مقام معظم رهبری هم بوده است. این موارد در مجموع می‌تواند بحث مفهوم را روشن کند. یکی از محورها، توجه به زمینه‌ها است. چه زمینه‌هایی برای جهاد اقتصادی وجود دارد یا باید وجود داشته باشد؟

- ۱- منابع؛ آیا منابع کافی را برای جهاد اقتصادی در اختیار داریم؟
- ۲- مدیریت؛
- ۳- نیروی انسانی؛
- ۴- دانش لازم؛
- ۵- آیا قوانین و سیاست‌های روشن و بسته‌های سیاستی لازم برای جهاد اقتصادی را در اختیار داریم؟
- ۶- آیا زیربناها و زیرساخت‌های لازم را داریم؟

۷- آیا شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به ما اجازه می‌دهد که به اهداف جهاد اقتصادی دست

پیدا کنیم؟

در یک تحلیل کلی، پاسخ من به این هفت سؤال مثبت است. به لحاظ منابع، منابع آزاد شده در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، خودش بخشی از منابع است. منابع درآمدی نفتی امسال ما جزء مطمئن‌ترین منابع این سال‌ها است. منابع موجود در صندوق توسعه ملی، و از همه این موارد مهم‌تر، منابع ناشی از صرفه‌جویی در مجموع منابعی را ایجاد می‌کنند که برای دست یافتن به اهداف جهاد اقتصادی، کفایت می‌کنند.

در مورد قوانین و اسناد مورد نیاز، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی در بخش‌های مختلف موجود است.

در مورد نیروی انسانی با توجه به فارغ‌التحصیلان سال‌های اخیر دانشگاه‌ها، نیروی انسانی خوبی برای پرداختن به جهاد اقتصادی وجود دارد. به لحاظ مدیریت، انگیزه دولت برای انجام این کار بالا است و با توجه به مطالبی که در مورد سال سوم دولت فعلی ذکر شد، انگیزه لازم و همچنین عزم مناسب و البته جسارت مورد نیاز را هم دارند. به لحاظ مدیریت اگر چه دچار مشکلاتی هستیم، ولی می‌توان به این مدیریت هدایت شده اتکاء کرد.

در مورد تولید علم باید گفت که انصافاً تولید علم در کشور، قابل اعتماد است و به سمت اقتصادی شدن و تجاری شدن حرکت کرده است. به نظر من زیربنای قبلی هم وجود دارد. شرایط منطقه‌ای برای جهاد اقتصادی ما، مهیا است. برخی از گزارش‌ها را می‌توان شاهدی برای مساعد بودن زمینه جهاد اقتصادی دانست. بر اساس گزارش گولدمن ساکس، جمهوری اسلامی ایران با افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش نرخ تورم، افزایش سطح تکنولوژی به طور مستمر در سال‌های آتی موفق خواهد شد در سال ۲۰۲۵ با تحصیل ۷۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار تولید ناخالص داخلی به جمع بیست اقتصاد بزرگ دنیا پیوسته و در کنار هفت کشور صنعتی و بعد از آمریکا، چین، ژاپن، هند، آلمان، روسیه، انگلیس، فرانسه، برزیل، ایتالیا، مکزیک، کره جنوبی، کانادا، اندونزی و ترکیه در رتبه ۱۶ قرار گیرد.

**راهبرد** <sup>یاس</sup> **جناب آقای دکتر عیوضی، حضرتعالی چه نظری در مورد ناگذاری‌های**

سال‌های اخیر دارید؟

**دکتر عیوضی:** به نظر من، لازم است که ارتباط موجود بین نامگذاری سال‌ها ملاحظه شده و در نظر گرفته شود. مثلاً در یک نگاه کلی، بسیاری از این تعبیر مورد استفاده برای نامگذاری سال‌ها، واژه‌هایی بومی و متناسب با نیازهای واقعی جامعه و انقلاب بوده‌اند. ارتباط بین این مفاهیم و نیازها با توجه به شرایط زمانی و شرایط مکانی بوده است. مثلاً استنباطی که از نامگذاری امسال به عنوان جهاد اقتصادی می‌توان داشت، این است که جامعه کنونی و شرایط و مقتضیات کنونی ما، واقعاً نیاز به چنین حرکتی داشته است. توجه به بومی بودن این مفهوم نقطه آغاز خوبی برای پرداختن به جهاد اقتصادی است. طرح کردن نیازهای بومی و درونی، نباید به رویکردهای بیرونی منتهی شود.

## ماجرای جهاد در مورد مفهوم جهاد چه ایده‌ای دارید؟

**دکتر عیوضی:** مفهوم جهاد، مفهومی است که بار اعتقادی دارد. مواردی از آیات قرآن که به جهاد در راه خدا اشاره دارد، مؤید همین مطلب است. به نظر من مفهوم جهاد اقتصادی را باید در حوزه اعتقادی‌اش حفظ کرد. به علاوه این واژه، واژه‌ای بومی است و با جامعه اسلامی ایران؛ قرین است. چنین واژه‌ای در خارج از این قلمرو، معنای خودش را از دست خواهد داد. در قرآن کریم، هنگام اشاره به منازعه از سه واژه قتال، جهاد و حرب استفاده شده است که حرب و قتال، دارای زمان خاصی بوده و در مقطعی، محدود می‌شوند ولی جهاد دارای زمان تحدید شده‌ای نیست؛ استمرار دارد و انسان در محضر خداوند، دائماً و پویا در مسیر جهاد درونی و بیرونی تلاش می‌کند.

نکته دیگر در مفهوم جهاد اینکه می‌توان گفت جهاد، نتیجه همت مضاعف و کار مضاعف است. یعنی همت مضاعف و کار مضاعف، جامعه را به سمت جهاد هدایت می‌کند چون یکی از ویژگی‌های جهاد، انجام مسئولیت‌ها فراتر از حد و مرز تکلیف است و عناصری چون فداکاری، ایثار و دغدغه‌ی جدی نسبت به کمال و پیشرفت جامعه و ... وجه مشترک بین آنها می‌باشد. و چنین ارتباط منطقی، یکی از موارد ارتباطی است که بین نامگذاری این سال‌ها می‌توان برقرار کرد.

اگر ارتباطی منطقی، بین این مفاهیم برقرار شود، در آینده می‌توان به چارچوب‌های راهبردی مؤثری دست پیدا کرد که برای جامعه اسلامی ایران اثربخش باشد. اصولاً فرایند چارچوب‌سازی هم در چنین روندهایی شکل می‌گیرد. برای مفهوم‌شناسی و درک بیشتر از اهمیت از جهاد اقتصادی و بار معنایی آن، توجه به این نکته لازم است که جهاد با سرمایه اجتماعی ارتباطی عمیق دارد، در واقع جهاد و سرمایه‌های اجتماعی ما رابطه تکراری دارند.

اگر سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد، جهاد اقتصادی هم می‌تواند محقق شود. جهاد اقتصادی نیاز به اراده، آگاهی، شعور، مشارکت، اعتماد و ... دارد و اینها همان پایه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و جهاد نیز بسترهای رشد و پیشرفت جامعه را فراهم می‌کند.

نکته دیگر رابطه بین جهاد اقتصادی با چشم‌انداز کشور است. در این مورد توفیق سند چشم‌انداز است. چشم‌انداز از آینده کشور نیازمند این است که مردم ما در این حوزه و در این عرصه وارد شوند. نگاه پوزیتیویستی و نگاه سودگرایانه، خارج از نگاه جهاد اقتصادی رقم می‌خورد. جهاد اقتصادی به چیزی فراتر از نگاه منفعت‌محورانه و سودمدارانه به تحولات پیرامونی معنویت‌گرایی و اخلاق‌محوری نیاز دارد.

ما نمونه‌ها و مصادیقی از جهاد اقتصادی را در دهه‌های مختلف انقلاب تجربه کرده‌ایم. در بعضی از فرازهای انقلاب مانند جنگ تحمیلی، فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها و ... چنین تجربه‌ای برای مردم ایران وجود داشته است. پس به چیزی فراتر از یک حالت سکون، یکنواختی، روزمرگی و منفعت‌جویی نیاز داریم و ضرورتی برای نگاه محافظه‌کارانه در این مورد نیست.

از طرف دیگر این تحلیل هم اشتباه است که روند اقتصادی کشور در حال انجام است و نیازی به حرکت جهادی نداریم، چرا که ما به نگاه نو و جدیدی در عرصه اقتصاد نیاز داریم که البته این نکته نیاز به بررسی و تحلیل دارد.

**راهبرد** نگاهی که بتواند شرایط یک جهش را فراهم کند.

**دکتر عیوضی:** بله. اصولاً با توجه به نکات فوق تأکید می‌کنم که مفهوم جهاد، مفهومی پویا است. مفهومی که با رشد و تکامل اجتماعی سر و کار دارد. یک مفهوم ایستا نیست. این معنا در تعریف مفهومی جهاد و بسیاری مصادیق آن مشهود است.

## حضرتعالی مطالب مفیدی در توضیح مفهوم جهد فرمودید، در مورد اقتصاد

چطور؟

**دکتر عیوضی:** در واژه «جهد اقتصادی» به اقتصادی اشاره می‌شود که از جنس جهد بوده و متعلق به عرصه ارزشی و اعتقادی و از جنس اقتصاد اسلامی جامعه باشد. نمی‌توان تحلیل لیبرالیستی، سرمایه‌داری و یا مارکسیستی از اقتصاد داشت و از واژه جهد اقتصادی استفاده کرد. اگر آنچه در جهد اقتصادی مطرح است، با اقتصاد اسلامی تطبیق نداشته باشد، جهد اقتصادی واژه‌ای بی‌معنی خواهد داشت.

اقتصاد مدنظر، اقتصاد اسلامی است که در آن ارزش‌هایی مانند قناعت، کار، فعالیت، تولید، مصرف و ایثار و ... وجود دارد. اقتصاد دو مؤلفه اصلی را در بر می‌گیرد: مؤلفه توسعه و مؤلفه مصرف. اقتصاد با نگاه توسعه که امروز با تعابیر پیشرفت عدالت‌محور و پیشرفت تعالی‌محور از آن یاد می‌شود. بعد دیگر اقتصاد، مصرف‌گرایی است نه توسعه. گاهی انرژی، مصرف می‌شود تا تولیدی صورت بگیرد و تولید حاصله، روند توسعه تسریع بخشد. مثلاً امروزه در جهان ۱۲ درصد از کشورهای جهان بیش از ۶۰ درصد انرژی جهان را مصرف می‌کنند ولی این مصرف از جنس توسعه بوده و با تولید ارتباط برقرار می‌کند. مؤلفه دیگر، مصرف است. که هدر دادن امکانات و نعمت‌های خدادادی است. جهد اقتصادی، جهادی است که اقتصاد توسعه‌محور را با ادبیات اسلامی - ایرانی، نصب‌العین و هدف خود قرار دهد و از این منظر مسأله را ببیند. بر این اساس می‌توان از نوعی راهبرد بومی در فرایند جهد اقتصادی سخن گفت.

**تلقی اشتباهی که بعضاً وجود داشته، جهد اقتصادی را در حوزه مصرف**

می‌دیده است ولی نگاه حضرتعالی که آن را به حوزه تولید مرتبط کرد، بیان صحیحی از این مسأله داشت.

**دکتر عیوضی:** بله همین طور است. برخی در معنای جهد با نفس مسأله، ریاضت دادن نفس را مطرح می‌کنند. این تفسیر درستی نیست بلکه راه جهد با نفس این است که پاسخ طبیعی و

منطقی و انسانی به نفس داده شود تا بتوان انحراف در امور نفسانی آن را مهار کرد. تا اینجا بیشتر مفهوم‌شناسی صورت گرفت ولی راه تحقق این مفاهیم چیست؟ انتخاب روش و متد انطباق‌پذیر با این قالب بحث روش‌شناسی است که برای رسیدن به اهداف جهاد اقتصادی بسیار مهم است. ما با اصول دینی و معیارهای و تجربه دیگران می‌توانیم این مسیر را طی کنیم. تأکید مقام معظم رهبری هم بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تداعی این مسأله است. به نظر من در چشم‌انداز تفکر ایشان، تأکید بر مقصد و هدف راهبردی کلانی است که اجزایی دارد و این اجزاء با یکدیگر مرتبط هستند. اینکه ما در اقتصاد اسلامی، پیشرفت سریعی نداریم و ابهاماتی داریم به این علت است که ما متدولوژی دینی خودمان را با انطباق بر تجربه دیگران مورد استفاده قرار نداده‌ایم و علت آن هم تعدد در روش‌ها تنوع در برنامه‌ها و تکثیر در الگوبرداری‌هاست. هرکس روش و الگوی جداگانه‌ای را پیشنهاد می‌کند و سیاست‌های دولت‌ها بر این الگوها مدت‌ها مسیر کشور را به سوی تجارت تکراری سوق می‌دهد. برخی به اشتباه معتقدند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان از دیدگاه کشورهای غربی و آسیایی مانند چین و ژاپن اقتباس کرد.

گویی اقتصاد اسلامی، شهری است که بافت شهری آن را می‌توان از شهرهای مختلف جهان الگوبرداری کرد و هر کدام را در محله‌ای به کار گرفت.

بحث متدولوژی مهم است. متدولوژی ما چیست؟ در این مورد حصول به یک اجماع روشی بسیار مهم است.

بحث دیگر این است که جهاد اقتصادی چه کاربردهایی می‌تواند داشته باشد؟ امروزه سرمایه‌داری جهان و نظام سلطه سعی می‌کند که ما را با ابزار اقتصادی زمین‌گیر کند و شکست دهد. تحریم‌ها، تشویق مردم به مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی و ... مواردی برنامه‌ریزی شده و مهندسی شده هستند.

با توجه به اینکه نظام سلطه از طریق ابزارهای اقتصادی سعی در آسیب‌رساندن به جمهوری اسلامی ایران دارد، جهاد اقتصادی می‌تواند یک استراتژی رویارویی محسوب شود. یک مثال: در سال ۱۹۷۳ میلادی، وقتی که تحریم نفتی اعراب علیه اسرائیل اتفاق افتاد، یک سال بعد که آژانس انرژی توسط کنگره آمریکا و کشورهای غربی تأسیس شد، استراتژی رویارویی با چنین تحریم‌هایی نیز، تدوین شد. از آن سال به بعد توصیه به قناعت در میان این کشورها در صورت



تحریم نفتی، مدون شد و صورت عملیاتی به خود گرفت. مثلاً مصرف بالای خودروها مصرف انرژی و ... اصلاح شد.

چنین دستورالعمل‌هایی جنبه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی هم داشت. لذا جهد اقتصادی یک استراتژی رویارویی با سیاست‌های تهاجمی غرب چون تحریم، تهدید و ... است.

کاربرد دیگر جهد اقتصادی، امروزه که جامعه ما در تلاش برای ترسیم الگوی پیشرفت و توسعه است، صادق می‌باشد. در چنین جامعه‌ای پیشرفت و توسعه به راحتی صورت نمی‌گیرد. این الگو نیاز به یک روند تدریجی زمانی دارد و جهد اقتصادی، زمینه‌ساز الگوی پیشرفت است. نفس تحقق الگوی پیشرفت و توسعه هم یک تلاش و جهد است. بنابراین این دومین حوزه عملیاتی جهد اقتصادی محسوب می‌شود. جهد اقتصادی یک استراتژی تسریع‌بخش و پیشبرانه است.

نکته دیگر اینکه جامعه ما متأسفانه با برخی از خصایص منفی اقتصاد به نام اقتصاد مصرفی، دست به گریبان است و در هر جزئی از اجزاء زندگی اقتصادی مردم، این امر نفوذ پیدا کرده است. اقتصاد مصرفی و مصادیق مختلفش (مانند تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، چشم و هم چشمی‌ها) که هم ریشه در درون و هم در بیرون انسان دارد، باید بهبود پیدا کند. مثلاً سابقاً یک خط تلفن ثابت و یک گوشی تلفن معمولی در بسیاری از خانه‌ها بود و رضایتمندی، که از عناصر مهم اعتقاد اجتماعی محسوب می‌شود؛ وجود داشت. در این فضا کسی کمبودی نداشت و همه هم آرامش داشتند ولی امروزه هر عضو خانواده ممکن است یک خط موبایل یا بیشتر داشته باشد، اما نارضایتی شدید یافته است. البته در حوزه‌های دیگر نیز این تنوع افراط‌گرایانه وجود دارد.

جهد اقتصادی، در پی به رنج انداختن مردم نیست، بلکه درست مصرف کردن را دنبال می‌کند. جهد اقتصادی، مأنوس بودن با انسان به قصد رفع نیازهایش می‌باشد. جهد اقتصادی به دنبال برخورد منطقی برای رفع نیازها و تعریف منطقی از نیازهاست.

مطلب کاربردی دیگر اینکه جامعه ما با ضرورتی به نام خودکفایی مواجه است. اگر خودکفایی از جامعه‌ای گرفته شود، وابستگی را به دنبال دارد. خودکفایی مورد نظر صرفاً اقتصادی نیست. جهد اقتصادی در واقع تلاشی است در جهت تحقق خودکفایی در بستر سیاست، فرهنگ و ... توجه به این بسترهای عملیاتی بسیار مهم است.

اگر جهد اقتصادی تحقق پیدا کند، و به عنوان استراتژی تسریع‌بخش نظام قرار بگیرد، در رویارویی با ابزارها و استراتژی‌های اقتصادی دشمن می‌توان ایستادگی کرد. اگر جهد اقتصادی باشد می‌تواند از رفاه طلب جلوگیری کند. اگر جهد اقتصادی باشد می‌تواند الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت را جامه عمل بپوشاند. مهم جهاد اقتصادی است و این موارد متغیرهای به هم وابسته هستند.

**راهبرد یاس**  
جناب آقای دکتر عیوضلو، حضرتعالی در مورد مطالبی که دوستان فرمودند چه نظری دارید؟

**دکتر عیوضلو:** یکی از مطالب که نیاز به توضیح بیشتری دارد، اشاره به حمایت از دولت با نام‌گذاری سال ۹۰ به نام سال جهاد اقتصادی بود. چه دلیل و مبنایی برای این بیان وجود دارد؟  
**دکتر علی اکبری:** هدف اصلی مقام معظم رهبری از این نامگذاری، حمایت از دولت بوده است. اگر پیام نوروزی ایشان و چند سخنرانی ایشان در ابتدای سال ۹۰ را بررسی کنیم، این مطلب به خوبی روشن می‌شود.

**راهبرد یاس**  
برای اینکه طرح‌های اقتصادی دولت به نتیجه برسد، نیاز به یک بسیج عمومی است و این نامگذاری کمک بسزایی به این امر می‌کند.

**دکتر عیوضلو:** ولی از این نامگذاری، حمایت از دولت قابل استنباط نیست.

**راهبرد یاس**  
توجه داشته باشیم که یک سند چشم‌انداز بیست ساله تنظیم و ابلاغ شده و اهدافی در آن ترسیم شده است. یک دهه پیشرفت و عدالت هم داریم. سیاست‌های برنامه ۵ ساله توسعه را هم داریم. به علاوه هدف‌گذاری‌هایی در دولت انجام شده است که این نامگذاری بی‌ارتباط به این موارد نیست و بر تمام آنها تأثیرگذار خواهد بود.

**دکتر علی اکبری:** مقام معظم رهبری تصریح دارند که من از همه دولت‌ها، بخصوص این دولت به خاطر اهداف اقتصادی‌اش حمایت می‌کنم.

**دکتر موسایی:** آقای دکتر عیوضلو، نگاه اصولی به لفظ «جهاد اقتصادی» دارند و معتقدند از

این لفظ نمی‌توان حمایت از دولت را نتیجه گرفت ولی ممکن است از قرائن دیگری بتوان این نتیجه را بدست آورد.

**راهبرد** البته این اختلاف نظر خیلی محل چالش نیست. این نامگذاری، چنین مطلبی را به ذهن متبادر می‌کند که امروزه اولویت کشور، مسأله اقتصاد است.

**دکتر خوش‌چهره:** در مورد این نامگذاری دیدگاه دیگری هم وجود دارد که معتقد است نگرانی از کارکرد دولت باعث شده که امسال بنام جهد اقتصادی باشد و قرائنی هم برای آن ذکر می‌کنند. توجه به کلمات حضرت امام(ره) هم نشان می‌دهد که ایشان به دلیل دغدغه‌ها و نگرانی از خرابی‌های به جای مانده از نظام طاغوت، به دعوت مردم برای اصلاح آن‌ها پرداخته و از جهد اقتصادی نام می‌برند. البته من نه این دیدگاه را تأیید می‌کنم که نگرانی از وضع اقتصاد، عامل این نامگذاری بوده و نه اینکه به طور مطلق گفته شود که حمایت از دولت، مهمترین دلیل این نامگذاری بوده است.

حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری به عنوان استراتژیست‌های نظام، مطرح بوده و هستند و این مدیریت استراتژیک است که با توجه به سرعت تحولات محیط منطقه و محیط بین‌الملل، تشخیص اولویت را انجام می‌دهد. این یک خطای استراتژیک است که مجموعه‌ای از اهداف را داشته باشیم و ندانیم کدام یک مهم‌تر است. چون پیشبرد همه اهداف به طور همزمان ممکن نیست، مدیریت استراتژیک، تشخیص اولویت را انجام داده و بیشترین امکانات و ظرفیت‌ها را برای آن قرار می‌دهد. تعیین اولویت، مطلبی پذیرفته شده در هر نظام حکومتی، سیاسی و اجتماعی است و این تعیین اولویت در جمهوری اسلامی ایران با نامگذاری سال‌ها صورت گرفته است. شاید این نگاه و این منطق در دفاع از نامگذاری سال‌ها؛ منطقی پذیرفته شده‌تر در مراکز آکادمیک باشد.

نکته بعدی اینکه این تعیین اولویت چگونه در عمل جاری و ساری می‌شود؟ در مقام چگونگی جهد اقتصادی است که این قبیل سؤالات پاسخ داده می‌شود. این دغدغه هم درست و به جا است که ممکن است با این نامگذاری برخورد شعاری شود و برون‌دادهای مورد نظر حاصل نشود.

کارآمدی و عقلانیت یک نظام در گرو مقدار کاری است که برای مصالح و منافع ملی انجام داده است. حوزه‌هایی که منافع و اهداف ملی را تأمین می‌کند حوزه‌هایی مانند امنیت، حفظ سرحدات، حاکمیت و ... هستند که اهداف منافع ملی را تأمین می‌کنند. البته امنیت دارای تقسیم‌هایی مانند امنیت عمومی، امنیت اجتماعی و ... است.

حوزه دوم، حوزه اقتصاد رفاه است. در یک نظام تا چه میزان اقتصاد و رفاه تأمین می‌شود؟ حوزه سوم، ارزش‌ها و آرمان‌ها است. این حوزه‌ها با توجه به سرعت تحولات، شدت تحولات و تغییرات محیط داخل و خارج و برخی از اهداف، تغییر خواهند کرد که در نامگذاری‌ها هم شاهد آن بوده‌ایم. در نتیجه تأکید را باید بر نظام سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و اجرایی معطوف کرد که فقط دولت نیست. مجلس با توجه به شأن قانونگذاری‌اش در این رابطه هم دخیل است.

**دکتر علی اکبری:** اولاً دولت به معنای حاکمیت مدنظر است. حمایت از برنامه‌های نظام همیشه مدنظر بلکه مسئولیت رهبری بوده است. ثانیاً دولت به معنی قوه اجرایی در کشور، متولی اصلی عرصه اقتصاد است و بر این اساس نیازمند حمایت است؛ مثلاً در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، فقط دولت به معنای هیأت دولت، مسئول آن نبوده است؛ بلکه مجموعه نظام پیگیر اجرای آن بوده‌اند و بدون حمایت همه جانبه نظام، این طرح موفق نمی‌شد. اگر هیچ طرح دیگری غیر از همین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها مطرح نبود، باز هم این نامگذاری بسیار بسزا بود. بسیاری از نگرانی‌ها و اطلاعات واصله حاکی از برنامه‌های دشمن برای ایجاد نارضایتی و کشاندن مردم به خیابان‌ها بود. اگر هیچ طرح دیگری هم در کشور در حال اجراء نبود، شایسته بود که مقام معظم رهبری نامی را انتخاب کنند که به دلیل اجرای همین طرح، در مقام دفاع از نظام بوده و به مردم راه صحیح را تشخیص بدهند.

**دکتر عیوضلو:** این مباحث را بایستی به منابع بسیار بالاتری متصل کرد که همان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است و مقام معظم رهبری بسیار روی آن تأکید داشته‌اند. وقتی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت یا دهه پیشرفت و عدالت مطرح می‌شود، مباحث به اسنادی بالادستی متصل می‌شود که ارتباطی با عملکرد اقتصادی دولت ندارد. عملکرد اقتصادی دولت، تجلیاتی از این اسناد می‌تواند باشد. به نظر من مسائلی که در اولین نشست الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شد، مسائل خیلی عمیقی است و باید بیشتر مباحث را به این سمت هدایت کرد. مقام معظم

رهبری به دنبال نوعی الگوسازی و ارائه الگوی موفق از نظام اسلامی هستند که می‌تواند سرلوحه کارها قرار بگیرد. در حرکت‌هایی که در سطح دنیا و در سطح منطقه در حال انجام است، همگی تشنه الگوهایی هستند. مباحثی که ریشه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارد را نباید به سطوح نازل‌تری کشانید.

از این منظر، نیاز است که الگوی انسان موفق اسلامی را مطرح کنیم. نمی‌توان جهاد اقتصادی را مطرح کرد، بدون اینکه به نگرش اسلامی ربط داشته باشد، چون کلمه جهاد یک کلمه اسلامی و مبارک است. جهاد اقتصادی نمی‌تواند با اقتصاد اسلامی بیگانه باشد. برای حرکت در چنین راستایی باید دید که الگوی ما چیست؟ سؤالات بسیاری در این مورد مطرح می‌شود. یک فرد در یک نظام اسلامی چه جایگاه و مسئولیت‌هایی دارد؟ چگونه حرکت می‌کند؟ چگونه رفتار می‌کند؟ یک خانواده، یک سازمان و یک نهاد و یک دولت چگونه؟ این بحث جنبه‌های ارزشی هم پیدا می‌کند، چرا که حتماً یک اقتصاد متعالی است. در چنین نظامی، بحث امور مادی و معنوی با هم عجین است. این حرکت دوبال دارد؛ یک بال آن رفاه مادی است و بال دیگر آن سعادت است. بایستی چنین الگویی را نشان داد. ما همیشه مباحث را به سمت موارد اجرایی می‌بریم و از این الگو غافل می‌شویم. در حالی که در چنین الگویی باید نشان داد که اگر کسی بخواهد وظائفش را تشخیص بدهد و به آنها عمل کند، چگونه باید رفتار کند؟ فارغ از دولت، فرد چگونه باید به تشخیص برسد و بر مبنای این تشخیص تصمیم‌هایش را اتخاذ کرده و رفتارش را هدایت کند. بعد از این دولت وارد می‌شود که می‌تواند در بسیاری از این عرصه‌ها به رتق و فتق امور پرداخته و نهادسازی کند، ساختار شکنی کرده و تجدید ساختار کند.

در این راستا مناسب است که به مباحث توحیدی و اقتصاد اسلامی توجه داشته باشیم و این الگو را براساس جهان‌بینی توحیدی تبیین کنیم. کسی که به عنوان یک فرد می‌خواهد یک حرکت جهادی در زمینه اقتصاد انجام دهد، از چه منبعی و آبشخوری باید تغذیه کرده باشد. این الگو همان منبع و آبشخور اصلی است. بدون تبیین و تعیین این الگو نمی‌توان رفتارها را شکل داد. این الگو، انگیزه‌ها را هم شکل می‌دهد.

این بحث بیشتر به تبیین بستر لازم برای جهاد اقتصادی نگاه دارد. بدون این بستر جهاد اقتصادی شکل نمی‌گیرد. اگر این زمینه را رعایت کنیم، می‌توانیم به خمیرمایه الگوهای اسلامی برسیم. این الگو را می‌توانیم سال به سال تنظیم کنیم و مطمئن هستیم که این نامگذاری‌ها در راستای این الگوسازی‌ها صورت می‌گیرد و جهاد اقتصادی، یک عنصر از این برنامه کلی تلقی می‌شود. ما

حداقل در حوزه نظری باید بتوانیم الگوی یک حرکت موفق را ارائه بدهیم، اگرچه ممکن است موانع زیاد بوده و در حوزه عمل نتوانیم موفق باشیم. این موارد و این نوع تنظیمات نشان می‌دهد که رهبری در این چارچوب فکر می‌کنند و خوب است که ما هم در این زمینه بتوانیم الگوسازی و نظریه‌پردازی بکنیم و در نهایت برای نظام اجرایی کشور، الگویی تولید کنیم.

این چارچوب که بتوانیم براساس آن حرکت کنیم و حرکات خود را الهام گرفته از مبانی روشنی بدانیم، یک قسمت از بحث است و ناظر به رویکرد تربیتی نظام اسلامی است. تمام تفاوت‌های جوهری یک نظام اسلامی با نظام‌های دیگر همین موارد است؛ این موارد قبل از وارد کردن بحث نقش دولت در الگوی اسلامی است. یعنی من به عنوان فرد تصمیم می‌گیرم مرتکب فعل حرامی نشوم؛ حتی اگر قوه قهریه‌ای هم ناظر بر من نباشد. خداوند را حاضر و ناظر بدانم، این نیاز به تبیین جهان‌بینی و نوع حرکت دارد. بر این مبنا، فرد ساخته می‌شود. در چنین مبنایی فرد موظف است که در چارچوب توحید افعالی عمل کرده و در جهت اهدافی که خداوند برای کمال قرار داده است، حرکت کند.

براساس این چارچوب اعتقادی، خداوند ما را موظف به عمران و آبادانی کشور کرده است. هر حرکتی که در جهت عمران و آبادانی انجام شود، امر ممدوحی است. در روایات تحت عنوان «قواماً للمسلمین» از چنین مواردی یاد می‌شود. لذا تمام فعالیت‌های اقتصادی که باعث استحکام و برپایی و قوام جامعه شود، در این چارچوب می‌گنجد.

این مرحله دارای ساختار بسیار گسترده‌ای است که کل حرکت اقتصادی را نشان می‌دهد و آقای دکتر یسری (از کشور مصر) به خوبی این موارد را تبیین کرده است. دکتر یسری کل فعالیت‌های اقتصادی را بیان کرده و عنوان می‌کند که این فعالیت‌ها، در اطار (چارچوب) موازین و ارزش‌های اسلامی رخ می‌دهد. از ابتدای کار که فعالیت اقتصادی شروع می‌شود، تا تصمیم‌گیری‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع درآمدها و ... همگی در چارچوب موازین اسلامی طراحی شده است. این موارد، مثال‌هایی از آن چارچوب هستند. ظاهر چارچوب، مشابه فعالیت‌های اقتصادی عرفی است ولی باطن چارچوب، یک سلسله موازین ارزشی است که بر رفتارها حاکم است. بر این مبنا می‌توان نقش فرد را در یک جامعه، در یک سازمان و در یک خانواده تعریف کرد و حتی سازمان‌ها را نیز می‌توان در چنین چارچوبی در نظر داشت.

بعد از این موارد، به حوزه جهادی می‌رسیم. آقای دکتر یسری کتابی دارد که در آن مراحل



اصلاحات را بیان کرده است. او به سه مرحله اشاره می‌کند. در یک مرحله جایگاه و نقش «فردی» را مطرح می‌کند که در یک نظام طاغوتی در حال انجام کار است. چنین فردی چه وظایفی دارد. بعد که انقلاب رخ می‌دهد و همین فرد در یک بانک اسلامی مشغول به کار می‌شود، چه وظایفی دارد. مشخص است وظایف دوره قبل از انقلاب با وظایف دوره بعد از انقلاب، تفاوت زیادی خواهد داشت. در مرحله تثبیت، باز شرایط و احکام فرق خواهد داشت.

دکتر یسری مراحل اصلاحات را بیان کرده و فلش‌هایی را برای نشان دادن حرکت‌های اسلامی ترسیم می‌کند. وقتی نیروهای اسلامی وظائف و تکالیف خود را در جهت اسلامی سازی انجام می‌دهند، نیروهای اهریمنی هم به مقابله می‌خیزند تا جلوی حرکت‌های اسلامی را بگیرند. آقای دکتر یسری از قرآن کمک گرفته و این بحث‌ها را تبیین کرده است. در این جریان وقتی در مقام کار اصلاحی بر می‌آییم، صدها مانع پیش می‌آید. گاهی نظام اداری خودش مانع است. مثلاً آقای احمدی‌نژاد، سازمان برنامه و بودجه را مانع می‌دانست و به حذف این سازمان اقدام کرد. در اینجا هم جهاد، یک حرکت مانع‌شکنانه است. در ایران مقاومت‌های جدی و در لایه‌های مختلف در قالب نظام اداری مدرن برای یک حرکت صحیح و درست وجود دارد.

در اقتصاد کشور ظرفیت‌های بسیار بالایی وجود دارد، امکانات مختلف و منابع سرشار کشور موقعیت‌های تجاری و ژئوپلیتیکی، سرمایه‌ها، نیروهای جوان و ... برخی از این ظرفیت‌ها هستند که بایستی نظامی کارآمد وجود داشته باشد تا به نتایج روشنی برسیم. در مقابل این حرکت ارزشی، نیروهای اهریمنی به مقابله جدی خواهند پرداخت. با یکسری حرکات می‌توان توسعه اقتصادی را به نتیجه رسانید ولی نوع چپش‌ها طوری است که عملاً اجازه چنین حرکت‌هایی را نمی‌دهد. در اکثر موارد نیاز است جایی را داشته باشیم که اکثر قوا در آن مرکز حضور داشته و تصمیمات ضربتی اتخاذ کنند؛ جایی شبیه به شورای عالی امنیت ملی. به یک فراقوه نیاز است که تصمیمات مربوطه را مرحله به مرحله اخذ کنند. ما به یکسری سیاست‌های ضربتی نیاز داریم که در چنین جایی تنظیم و تصویب شود.

الزامات، روش‌های مورد نیاز، طراحی سازمان‌های مورد نیاز، ایجاد یا اصلاح نظام‌های نظارتی و ... چپش‌های جدیدی را نیاز دارد و نظام اداری خاص خودش را طلب می‌کند. در خیلی از موارد به نرم‌افزارهایی نیاز داریم که بایستی طراحی شوند، چرا که بسیاری از نرم‌افزارهای موجود قابل اعتماد نیستند.

این تغییرات نیازمند یک عزم ملی جدی و همه جانبه است. با یک فرد، یک مدیر عامل و یک

وزیر، چنین کارهایی عملیاتی نمی‌شود. حرکتی مانند برخی از عملیات‌های زمان جنگ نیاز است. عملیاتی طراحی می‌شود که در شرایط عادی و با علوم نظامی معمول، قابل طراحی و اجرا نبوده ولی با کارایی ویژه و ابتکاری و میان‌بر قابل اجرا خواهد بود. در شرایط فعلی اقتصاد کشور، به یک حرکت هوشمندانه، مدبرانه و برنامه عملیاتی مشخص نیاز داریم که در جهت موفق‌سازی الگو می‌تواند مؤثر باشد.

ما به یک نگاه بین‌المللی هم در این زمینه نیاز داریم. تحلیل‌هایی که در بحران‌های مالی اخیر دنیا شده، نشان می‌دهد که برخی از اقتصادهای مطرح و بزرگ در دنیا، دیگر قدرت بازگشت به وضع سابق خود را ندارند. بسیاری از ابر قدرت‌ها دیگر به وضعیت قبلی خود باز نخواهند گشت. گروهی از متفکران آلمانی، سفری به ایران کرده و در دیدارهایی که داشتند، اصل حرفشان این بود که ما فهمیدیم این مدلی که آدام اسمیت و دیگران گفته‌اند، دیگر جواب نمی‌دهد. احساس می‌کنیم در اقتصاد اسلامی جواب‌هایی برای این بحث‌ها هست و به دنبال نظریه‌های جدید هستیم.

بنابراین می‌توان یک حرکت جهانی‌سازی اسلامی را طراحی کرد و هوشمندانه و با قدرت، آن‌ها را دنبال کرد. این موارد برای گام‌های جدید کشور نیاز است.

آقای دکتر محسن رضایی بحثی را مطرح کرده بود که الزامات پیشرفت کشور را به حرکت موشک‌ها تشبیه کرده بود. یک حرکت پرتابی و یک حرکت پروازی. حرکت پرتابی حرکتی بود که در ابتدای انقلاب انجام دادیم و یک جریان انقلابی رخ داد و ما خودمان را به این آسمان رسانیدیم و گفتیم که ما هم هستیم، ولی امروز یک حرکت پروازی نیاز داریم که با یک حرکت ثابت و با جهت مشخص بتوانیم کارها را پیش ببریم و کارآمدی الگوی اسلامی را نشان دهیم.

اینطور که به نظر می‌رسد آقای دکتر عیوضلو سراغ این مسأله رفتند که جهاد اقتصادی با چه الگویی و چگونه انجام می‌گیرد و زمینه‌های آن چیست؟ به عبارت جهاد اشاره خوبی شد که حاکی از مانع داخلی و خارجی است. و نیاز است که ما قرارگاه، نقشه راه و استراتژی داشته باشیم، این موارد بیشتر ناظر به ارائه طریق است تا جهاد اقتصادی انجام شود. آقای دکتر عیوضلو هم همین مراحل به مطالعات آقای دکتر یسری

اشاره داشتند. برای دستیابی به الگو و عملیاتی کردن آن، با توجه به دشمنانی که حضور دارند، مقاومت‌های جدی وجود خواهد داشت. لازم است قرارگاهی متشکل از نخبگان داشته باشیم که بسته‌های سیاستی مناسب را طراحی کنند. موانع و محیط را شناسایی کرده و موانع را از سر راه بردارند. شاید رئیس جمهور هم با توجه به برخی عملکردها، چنین ایده‌ای در برخورد با موانع داشته باشد.

**دکتر عیوضلو:** در عین حال این حرکت جهادی به سربازان و نیروهایی نیاز دارد که ایمان داشته باشند. این ایمان هم از نوعی جهان‌بینی حاصل می‌شود. ایمان باید طوری باشد که بر روی رفتار، تأثیرگذار باشد. در عین حال برخی ساختارهای اجرایی هم باید تغییر یابند.

**پیشنهاد خوبی که می‌تواند در دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی و ساماندهی اوضاع اقتصادی مؤثر باشد، تشکیل شورایی مانند شورای عالی امنیت ملی است که با حضور سران قوا و وزارتخانه‌های ذیربط، در حوزه اقتصاد به تصمیم‌گیری و اجرا در مسایل اقتصادی بپردازند. جناب آقای دکتر موسایی حضرتعالی چه نظری در مورد محورهای مورد بحث دارید؟**

**دکتر موسایی:** من صحبت‌هایم را پیرامون ۵ سؤال، عرض می‌کنم.

- ۱- چه تعریفی می‌توانیم از جهاد اقتصاد داشته باشیم؟
- ۲- ضرورت طرح «جهاد اقتصادی» در شرایط فعلی ایران چیست؟
- ۳- مخاطب «جهاد اقتصادی» چه کسانی هستند؟ مخاطبین چه وظایفی دارند و چه کار باید بکنند؟
- ۴- از کجا باید شروع کرد؟
- ۵- تعیین شاخص‌ها و معیارهای اندازه‌گیری و ارزیابی میزان موفقیت در اهداف مورد نظر در سال جهاد اقتصادی.

ضمن تأیید صحبت دوستان که ما الگویی علمی در حوزه اقتصاد نیاز داریم، توجه داشته باشیم که این الگو نبایستی سیاسی یا جناحی دیده شود. تعریف من از جهاد اقتصادی، تلاش عالمانه و جهادگونه برای حل مشکلات اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی است. چنین تعریفی می‌تواند

در کوتاه مدت، مبنا قرار بگیرد. این تلاش، جهادگونه است به لحاظ اینکه بایستی در عرصه اقتصاد هم نگاهی دینی و ارزشی داشته باشیم. کار و تلاش را مقدس و نوعی عبادت بدانیم. از نظر فرهنگی، وجدان کاری و فرهنگ کار نیز در سایه این شعار بایستی افزایش پیدا کند. اگر قسمت اول این تعریف بخواهد عملی شود، بایستی نتایج آن در حوزه مصرف و تولید نشان داده شود. مصرف بایستی در خدمت تولید باشد، نه اینکه به وابستگی بیشتر، کمک نماید. مصرف بایستی در خدمت اشتغال قرار بگیرد. مصرف کالای وارداتی، به معنای ایجاد شغل برای سایر کشورهای واردکننده کالا به ایران است.

تعریف روش جهادگونه می‌تواند علاوه بر موارد فوق، به رفع تنبلی فردی و تنبلی اجتماعی هم ناظر باشد. ما به دلیل وجود درآمد نفت، ملت پرتلاشی نبوده‌ایم، بخصوص توقع نسل جدید، بیشتر از کاری است که انجام می‌دهند. به عنوان مثال یکی از توقعات نسل حاضر این است که کار آماده و راحت و بدون مشکلی برایش فراهم باشد؛ در حالی که بایستی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بتوانند کارآفرینی کنند.

صفت عالمانه بودن در تعریف جهاد اقتصادی بدین معنا است که ضرورتاً به دنبال کار بیشتر نیستیم، بلکه کارآمدی مهم است. تشخیص اولویت‌ها، بسیار راهگشاتر است تا بالا بردن کمیت کار انجام شده. در کشورهای توسعه‌یافته نیز لزوماً ساعات کار بیشتر از ما نبوده است. بیشتر از آنکه کمیت کار مهم باشد، کیفیت کار مهم است.

من به همین دلیل با ساختارشکنی مخالفم. ساختارشکنی، نوعی به هم ریختگی را ایجاد می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی در محیطی که دارای امنیت است، امکان شکوفایی پیدا می‌کند. قبل از اثبات مشکل دار بودن یک ساختار، نباید دست به تخریب آن ساختار زد. گاهی هم مشکل از ساختار نیست، بلکه به مدیریت یا عدم تشخیص صحیح اولویت‌ها بر می‌گردد. اگر در جایی هم نیاز به ساختارشکنی بود، باید به طور شفاف دلایل آن را تبیین کرد. با این توضیح، بایستی که تلاش جهادگونه‌ای داشته باشیم؛ یعنی هم اراده کار را داشته باشیم و اقتصاد را عرصه‌ای مقدس بدانیم.

در مورد نظراتی که اقتصاد ایران را بسیار موفق می‌دانست، با توجه به امکانات و ظرفیت‌هایی که کشور ما دارد، اقتصاد ناموفقی داشته‌ایم. امروزه در چه حوزه‌ای تولیدات ما در دنیا می‌تواند حضور موفق و پررنگی داشته باشد؟

**دکتر عیوضلو:** ولی خدمات فنی و مهندسی ما خیلی موفق بوده است.

**دکتر موسایی:** میزان صادرات غیر نفتی ما در حوزه خدمات فنی و مهندسی چه اندازه است؟ امروزه در حوزه‌ای مانند حوزه کشاورزی، چه کالایی داریم که بازارهایی را تسخیر کرده باشد؟ غیر از کالاهای سنتی که از سابق تولید می‌شده (مانند فرش، پسته و خرما) چه کالای دیگری در این حد صادر شده است؟ حتی با صنایع پتروشیمی، به یک معنی، ثروت خود را می‌فروشیم و خیلی جدا از نفت نیست. صنایع پتروشیمی قابلیت تبدیل به مواد با ارزش تری را دارد که باید به مشتقات بعدی تبدیل شود ولی در یک مرحله صادر می‌شود.

**ابرد** بیان دیگری در مورد نظر آقای دکتر موسایی می‌توان داشت. اگر درآمدهای نفتی را در ۳۲ سال اخیر محاسبه کرده و آن را با کشورهای دیگری مقایسه کنیم، مشخص می‌شود که دیگر کشورها با چنین درآمدی موفق به انجام تحولات بیشتری نسبت به ما شده‌اند؛ کشورهایی مانند آلمان و ژاپن.

**دکتر عیوضلو:** البته بخشی از درآمد ما در صنایع زیربنایی و مادر تجلی یافته است و درآمدها به یکسری تکنولوژی منتقل شده است.

**دکتر موسایی:** رشد اقتصادی ما را با کشورهایی که وضعیت مشابهی نسبت به ما داشته‌اند، مقایسه کنید. اینکه بازار ما مملو از کالاهای خارجی است، یک نکته منفی است. در کدام یک از کشورهای دنیا این مقدار محصول از کشور ما حضور دارد که محصولات چین در بازارهای ما حضور دارد؟

به همین دلایل طرح جهاد اقتصادی اولویت خاصی برای کشور دارد. با روش‌های معمولی نمی‌توان چنین مشکلی را حل کرد. لازم است که حرکتی جهادگونه داشته باشیم. به علاوه، تحریم‌ها نیز بر شرایط اقتصادی ما تأثیرگذار بوده است و نگاه جهادی است که می‌تواند به مقابله با تحریم‌ها برخیزد. البته تحریم‌ها نمی‌توانند اقتصاد ما را فلج کنند. اصولاً اقتصاد ما بزرگتر از این است که با این تحریم‌ها فلج شود ولی تحریم‌ها، رشد اقتصادی را کاهش داده است و در چنین مواردی، خط شکنی لازم است.

در مورد این سؤال که مخاطب جهاد اقتصادی کیست؟ باید گفت همه افراد و مسئولین، مخاطب

این طرح هستند. حتی ایرانیانی که خارج از کشور زندگی می‌کنند هم می‌توانند مخاطب این بحث باشند.

## راهبرد یاس وقتی مخاطب عام می‌شود، وظیفه افراد چگونه خواهد شد؟

**دکتر موسایی:** وظیفه افراد به صورت مجزا تعریف می‌شود. مثلاً کسانی که در سیستم بانکی مسئولیت دارند، باید روشی را برای دور زدن تحریم‌ها و کاهش هزینه‌ها و کارآمدی بیشتر طراحی و اجراء کنند. در سطح دولت نیز تقسیم کارها، شکل جدی‌تری می‌گیرد که آثار آن به سرعت در رشد اقتصادی قابل مشاهده خواهد بود و هر نوع بیان غیر واقعی از موفقیت‌ها، زمینه پذیرشی نخواهد داشت. مثلاً ایجاد ۲/۵ میلیون شغل، تحولی محسوس و قابل مشاهده در رشد اقتصادی خواهد داشت که اگر طبق آنچه اعلام شده ۱/۵ میلیون شغل در سال ۸۹ ایجاد شده بود، رشد ۰/۵ درصدی اقتصاد را شاهد نبودیم.

در سال جدید باید تلاش کرد که با استفاده از اقتصاد دانش‌محور، علمی را که به حل این مشکلات کمک می‌نماید، تقویت کنیم. رشته‌های درسی و دانشگاهی را تقویت کنیم که در حل مشکلات کشور مؤثر باشند.

رشد علم بومی و زمینه‌سازی برای تولید علم بیشتر توسط اساتید، از مواردی است که می‌تواند برای دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی مفید واقع شود. شاید وظیفه اساتید دانشگاهی در سال جهاد اقتصادی این باشد که بسته‌ای مطالعاتی را در حوزه علوم اقتصادی طراحی کنند که پژوهش‌ها و مقالات بدان سمت سوق پیدا کند.

در این میان رسانه‌ها دارای جایگاه ویژه‌ای هستند که می‌توانند استانداردهای مرتبط با جهاد اقتصادی را تبیین و تشریح کنند.

فرهنگ و نهادینه کردن فرهنگ جهادی در اقتصاد، در توان رسانه‌ها هست. رسانه‌های عمومی و رسمی و رسانه‌های سنتی (مانند منابر و روحانیون) دارای نقش و وظیفه مهمی در این حوزه هستند.

مجلس شورای اسلامی، وزارت بازرگانی، وزارت اقتصاد و دارایی می‌توانند بر فضای کسب و کار برای رسیدن به اهداف جهاد اقتصادی بسیار مفید و مؤثر باشند. در ۲۰۰ سال اخیر واردات



تجاری ما در خدمت اقتصاد بیگانگان بوده است. در دوره قاجار، حدود ۷۵٪ تجارت ما با کشورهای بریتانیا و روسیه بوده است. حقوق گمرکی وضع شده، تماماً به نفع اقتصاد این دو کشور بوده است، حتی تهاجم و حمله نظام مستقیم غربی به ایران نیز با اهداف اقتصادی بوده است. مثلاً پرتغالی‌ها که به ایران حمله کردند، به این دلیل بود که نمی‌خواستند حقوق گمرکی به ایران بدهند. از همان دوران‌ها بود که جلوی رشد صنایع داخلی گرفته شد. امروزه سیاست بازرگانی وزارت بازرگانی هم در حال نابود کردن بخشی از تولیدات داخلی است و چیزی که می‌تواند آن را اصلاح کند، جهد اقتصادی است. دلیلی ندارد که شب عید، سیب از مصر و نارنگی از پاکستان و انگور از آفریقا ... وارد کنیم. این فرهنگ را جا بیاندازیم که اگر نداشتیم، مصرف نکنیم.

نقطه شروع جهد اقتصادی از فرهنگ کار است. رسانه‌ها و فرهنگ‌سازها، برای تبیین و جا انداختن فرهنگ کار، وظیفه اصلی را برعهده دارند.

شاید بتوان در مورد زندگی‌های روستایی و خصوصاً زندگی‌های کشاورزی این طور گفت که مواردی مانند طرح هدفمندی یارانه‌ها، بر فرهنگ کار آنها، تأثیر منفی گذاشته است و انگیزه لازم برای کشاورزی با وجود دریافتی مستمر (که چه بسا از درآمد کشاورزی بیشتر باشد) کاهش یافته است.

در مورد شاخص‌های اقتصادی می‌توان به مواردی مانند رشد اقتصادی و رشد بهره‌وری اشاره کرد. رشد اقتصادی ما در چند سال اخیر چه عدد و رقمی را نشان می‌دهد؟ یکی از مهمترین علائم موفقیت در جهد اقتصادی، تغییر و افزایش جدی درصد رشد اقتصادی است. در مورد مشکلات و موانع باید به نکاتی اشاره داشت. امروزه حداقل در بعضی از حوزه‌ها، اقتصاد ما دچار رکود است.

چه بسا یکی از دلایل نامگذاری امسال به جهد اقتصادی نیز وجود چنین مشکلاتی در حوزه‌هایی مانند مسکن، صنعت، صنایع کوچک و ... باشد. فقر، بیکاری و آمار بالای معتادان نیز در این روند بسیار قابل تأمل هستند. اقتصادی که در آن سه میلیون نفر بیکار و سه میلیون نفر معتاد باشند، حتماً دارای مشکلاتی اساسی است.

ما ظرفیت‌هایی داریم که مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. جهد اقتصادی می‌تواند استفاده از ظرفیت‌ها را به ۱۰۰٪ برساند.

در مورد خصوصی‌سازی صورت گرفته در سال‌های اخیر ارزیابی دقیقی نیاز است.

خصوصی سازی واقعی به چه میزان صورت گرفته است؟ چند درصد سهام شرکت‌ها به دست مردم رسیده است و چند درصد را نهادها خریده‌اند؟

**دکتر خوش چهره:** به جهاد اقتصادی از جهاد اقتصادی دارند. در حالی که اقتصاد از سه بخش تولید، توزیع و مصرف تشکیل شده است. کسی که جهاد اقتصادی را ناظر به ریاضت اقتصادی می‌داند، در واقع جهاد اقتصادی را بیشتر در مصرف می‌بیند. در حالی که در منظر خوش بینانه باید جهاد اقتصادی را در مرحله تولید دید که درست هم همین است. اگر فارغ از فضای سیاسی حاکم که به تحلیل عملکرد دولت و مجلس و ... می‌پردازد به تحلیل جهاد اقتصادی بپردازیم، باید گفت؛ سطح مطلوبی از هدف گذاری، دستاورد و عملکرد وجود دارد که بین آن شکافی وجود دارد. این شکاف معنی دار متأثر از عوامل درونزا و برونزا است. در عوامل برونزا که بین اهداف و دستاوردها، ایجاد شکاف کرده است، تردیدی نیست. تحریم‌ها و شیطنت‌های دنیای سلطه، به هر حال بر اقتصاد ملی تأثیرگذار بوده است. این موارد اگر چه دارای تأثیر منفی بر اقتصاد بوده‌اند ولی معیارهایی هم برای سنجش توانایی مدیران هستند که چگونه می‌توانند تهدیدها را کنترل و حتی آنها را تبدیل به فرصت کنند.

بحث دوم مربوط به عوامل دورنزا است. تولید ناخالص ملی یک شاخص است. ما ظرفیت‌هایی داریم که به خوبی مورد استفاده واقع نمی‌شوند. اگر آمارهایی مانند نرخ رشد اقتصادی بررسی شود، در سال گذشته و سال جاری، نرخ رشد اقتصادی ما، افت معناداری پیدا کرده و در خوش بینانه‌ترین تحلیل‌ها به ۰/۵ درصد رسیده است. در حصول به چنین نرخ رشدی، عوامل درونزا و برونزا تأثیرگذار بوده‌اند که فرصت تحلیل آنها نیست. در مطالعات بخشی هم اگرچه دستاوردهایی در بخش‌های مختلف وجود دارد و تلاش‌هایی صورت می‌گیرد، ولی در مواردی مانند بخش صنعت، بخش کشاورزی، بخش خدمات (علی‌رغم انگیزه‌هایی که وجود دارد)، خروجی کار بسیار کمتر از ظرفیت‌های موجود است. امروزه بطور معنی‌داری، کمتر از ظرفیت موجود، تولید انجام می‌گیرد.

یعنی حدود ۵۲ درصد از تولید ناخالص ملی را مورد استفاده قرار داده‌ایم و ظرفیت‌های استفاده نشده فراوانی وجود دارد. صنایعی مانند نساجی در کشور وجود دارد که علی‌رغم اشتغال‌زا بودن، دارای ظرفیت مورد استفاده پایینی است. در بخش کشاورزی هم شرایط مناسبی نداریم و

حجم بالای واردات، نگران کننده است. امروزه ۹۰ درصد روغن نباتی وارداتی است، چای ۹۵ درصد، مرکبات با درصد بالایی وارد می‌شود و این استحقاق نظام جمهوری اسلامی نیست که دارای چنین ظرفیت‌هایی است.

لازم است موانع موجود در راه تولید ملی شناسایی شود تا بتوانیم مفهوم جهاد اقتصادی را درک کنیم. چه موانعی بر سر راه تولید ملی وجود دارد؟ این موانع می‌توانند نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، تناقض در سیاستگذاری‌ها، شیطنت‌های دنیای سلطه، نوع رفتارها، مصرف‌ها، الگوهای مصرف، و ... باشند.

در ده سال گذشته، واردات همه ساله سیر صعودی طی کرده است، اگر چه دولت و مجلس هم تلاش کرده‌اند که مانع افزایش واردات شوند ولی این روند، ادامه دارد. با افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) سطح رفاه بایستی افزایش پیدا کند و بسیاری از متغیرهای دیگر نیز با افزایش تولید ناخالص ملی، بایستی افزایش یافته باشند. مثلاً ایجاد ۲/۵ میلیون شغل را بایستی نرخ رشد اقتصادی تعریف کرده باشد. مگر می‌شود نرخ رشد اقتصادی افت کرده باشد ولی اشتغال افزایش یافته باشد؟

توجه داشته باشیم که اشتغال، متغیری بحرانی است و می‌تواند بار امنیتی داشته باشد. بیکاری به خصوص در ساختار جوان و تحصیل کرده جامعه، به مرور متراکم می‌شود و می‌تواند تبعات امنیتی داشته باشد. اگر این باور غیر واقعی وارد نظام تصمیم‌گیری و اجراء شود که اشتغال به این میزان ایجاد شده است، از ظرفیت‌های انفجاری که بیکاری ایجاد کرده، غافل می‌شویم و به جایی می‌رسیم که مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین امنیتی می‌شویم. بنابراین موانع موجود بر سر راه رشد اقتصادی، باید احصاء شود.

نرخ رشد اقتصادی هدف گذاری شده است و اولین مفهوم جهاد اقتصادی این است که ما باید به ۸٪ نرخ رشد اقتصادی که در سیاست‌های ابلاغی هم وجود دارد، برسیم. نرخ رشد اقتصادی ۸٪ هدف واضح و روشنی است که می‌تواند هدف جهاد اقتصادی هم قرار بگیرد.

توجه داشته باشیم که نمودار سینوسی رشد اقتصادی معنی ندارد، بلکه روند آن مهم است، چون نشان‌دهنده نوعی استمرار است. شرایط فعلی اقتصاد کشور دارای دستاوردهایی است و تلاش دوستان را نمی‌توان نفی کرد، ولی سطح اول خطاب جهاد اقتصادی نسبت به نظام تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، قانونگذاری، برنامه‌ریزی و اجراء است. البته باور فعالین اقتصادی و مردم نیز در این مورد بسیار مهم است. ولی در سطح کلان نظام تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی،

بایستی متوجه باشند که ظرفیت‌های موجود باید به اولویت‌های اقتصادی مطلوب تبدیل شود. در اولویت‌های اقتصادی تشخیص و رفع موانع از سر راه افزایش تولید ملی، اولین قدم برای جهاد اقتصادی محسوب می‌شود. اگر در چنین فضایی وارد شویم، آهنگ حرکت ما به صورت جهادگونه افزایش خواهد یافت.

در چشم‌انداز ۲۰ ساله تبدیل شدن به قدرت اول علم و فناوری منطقه در نظر گرفته شده، که خیلی در این مورد نگران نیستیم ولی تبدیل شدن به رتبه اول اقتصادی منطقه نیازمند تغییرات جدی‌تری است. در حدود ۷ سال پیش، بعد از ترکیه و عربستان در رتبه سوم رشد اقتصادی بودیم ولی ما نتوانستیم در همان روند حفظ وضع موجود کنیم و همان فاصله را با ترکیه حفظ کنیم، در حالی که قرار بوده است از ترکیه جلو بزنیم.

با چنین شرایطی ضرورت حرکت جهادگونه، مضاعف می‌شود و با تغییر در انگیزه‌ها و نگرش‌ها است که می‌توان مقدمه جهاد اقتصادی را فراهم ساخت؛ مانند انگیزه‌هایی که در دفاع مقدس شکل گرفته بود. اگر انگیزه‌ها نسبت به افزایش تولید داخلی اصلاح شود، واردات دیگر یک تهدید ملی نخواهد بود. مشکلات بخش تولید باعث شده که برخی از تولیدکنندگان بیشتر به سمت تعطیلی کارگاه‌ها رفته‌اند. چنین مسائلی را باید عنوان کرد و از فضای حب و بغض‌های سیاسی آن را به دور نگه داشت.

در سی سال گذشته در کنار تلاش‌های خوبی که بوده، حرکت‌های نامنظم هم داشته‌ایم. بایستی جهت اصلی ما اقتصاد بوده و به سوی هدف تعریف شده‌ای که داریم، حرکت کنیم. توجه بی‌مورد به مباحث غیر اصلی در این حرکت، ما را از اهداف جهاد اقتصادی دور می‌کند. باید درک صحیح از مفهوم جهاد اقتصادی بوجود بیاید. رسانه ملی که نقش کلیدی در این راستا دارد، هنوز جایگاه خویش را در این میانه تعریف نکرده است.

اگر تعریف صحیح جهاد اقتصادی، جابفتد و آن را با ریاضت اقتصادی تعبیر کنند، مردم نگرانی پیدا کرده و هجوم بیشتری به سمت مصرف ایجاد می‌شود.

با توجه به شرایط محیط ملی، منطقه‌ای و جهانی، جهاد اقتصادی را درک صحیح و نگاهی حکمیانه می‌دانم و با نگاه خوش‌بینانه باید گفت شرایط اقتصادی موجود در شأن نظام جمهوری اسلامی نیست و باید تغییر روش و تغییر نگرش با توجه به الزاماتی که مورد اشاره قرار گرفت، ایجاد گردد.

توجه به جهد اقتصادی به معنای زیرینا شدن اقتصاد و شباهت به نظام‌های کمونیستی نیست، بلکه یک تاکتیک است و اولویت اقدام را تعیین می‌کند.

## راهبرد<sup>یاس</sup> در مورد الزامات جهد اقتصادی به عنوان محور مهم این بحث، توجه به چه نکاتی لازم است؟

**دکتر علی اکبری:** قبل از پرداختن به الزامات، توجه به این نکته هم مناسب است که یکی از اهداف مقام معظم رهبری در مورد انتخاب نام سال جهد اقتصادی، اصلاح نگاه و تصحیح تفکرات عرصه اقتصادی بوده است. در عبارتی ایشان در مهر سال ۷۹ می‌فرمایند: «مسئله دیگر، نگاه غیر مادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله اقتصاد و مسئله پول و مسئله ثروت است. همه این چیزهایی که دوستان از انحراف‌های غرب و مشکلات فراوان، مسئله، استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. می‌توان این نگاه را تصحیح کرد، اسلام برای ثروت اهمیت قائل است. اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است، منتهی با نگاه الهی و معنوی. این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد. از این ثروت باید برای سود جامعه بهره برد و بقیه مسائل فراوانی که وجود دارد».

به نظر می‌رسد ایشان با این بیان به دنبال اصلاح نگاه غلطی هستند که در برخی از گروه‌های اجتماعی و حتی در فرهنگ عمومی برخی از مردم ما وجود دارد. نگاه منفی به تولید ثروت، خلق ثروت، کارآفرینی، کارخانه‌داری، و نگاه منفی به کارهای بزرگ اقتصادی، از جمله مواردی هستند که باید به روشی اصلاح شوند. و قرائنی از همین هدف «اصلاح نگاه» را در ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ هم می‌توان مشاهده کرد.

با توجه به بیانات رهبری انقلاب در مورد الزامات و بایدها و نبایدهای تحقق «جهد اقتصادی»، چندین محور قابل بحث است. چند الزام هم از مسلمات است و مورد تأیید ایشان می‌باشد.

اولاً جدی گرفتن این مطالبه، الزام بسیار مهمی است. اگر با این نام برخورد شعاری داشته باشیم، و همه مسئولین و مردم، این مطالبه مقام رهبری را جدی نگیرند و تلقی یک مطالبه صریح

و روشن مقام ولایت از جهاد اقتصادی نداشته باشند، اهدافشان هم حتماً محقق نمی‌شود. جدی گرفتن جهاد اقتصادی دارای مصادیقی مانند فهم صحیح، درک مقاصد مربوطه، باور به ضرورت آن، ایجاد انگیزه لازم برای پیگیری، ایجاد عزم لازم برای تحقق و تلاش برای پیاده‌سازی و اجرای آن، می‌باشد.

الزام دوم: وحدت و همدلی است. اگر وحدت و همدلی در کشور نباشد، کار به سامان نخواهد رسید. لازمه کارهای بزرگ، عزم ملی و مشارکت عمومی و همگانی، وحدت است. در صورت عدم وحدت، آسیب‌پذیری ما بسیار بالا خواهد بود.

الزام سوم، آرایش جهادی در کشور است. یکی از مسائلی که اقتصاد ما از آن رنج می‌برد، حالت تدافعی موجود در این عرصه است؛ برخلاف حوزه‌هایی مانند امنیت یا سیاست که حالت تهاجمی مشهودی دارند؛ در عرصه اقتصاد بیشتر دچار انفعال و اکتفا به حداقل بوده‌ایم. در عرصه اقتصاد نیازمند خیزش هستیم که لازمه این کار، یک آرایش جهادی است. برای حرکت جهادی، ایجاد قرارگاه و آرایش نیروهای جهادی لازم است.

به عنوان مثال قوه مقننه برای تهیه مقررات و قوانین لازم برای تحقق این شعار، بایستی به روز شود. این امر، طبیعت آرایش جهادی است. البته توقع هم این نیست که همه این موارد در سال ۹۰ محقق شده و نتیجه بدهد، ولی در این سال باید پایه‌گذاری بسیار خوبی انجام شود. در هنگام بحران چنین آرایشی به صورت خودکار در کشور شکل می‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در مقام مفهوم شناسی جهاد، ترکیبی از حمله و دفاع وجود دارد: در عرصه اقتصاد، حمله را به چه چیزی می‌توان ترجمه کرد تا بتوان گفت به بار معنایی جهاد اقتصادی التزام داشته‌ایم. در صحبت‌های دوستان به مسأله تحریم اقتصادی ایران اشاره شد، که باید در مقابل آن دفاعی داشته باشیم. اگر ما هم بخواهیم در مقابل این تحریم، حمله‌ای اقتصادی به دشمن داشته باشیم که حرکت جهادی، کامل باشد، آیا در مبانی فقهی اجازه چنین کاری داریم، یا باید تلقی دیگری از جهاد اقتصادی داشته باشیم.

**دکتر علی اکبری:** مقام معظم رهبری تعبیر زیبایی از معنی جهاد دارند. تعبیر ایشان این است که «تلاش خستگی‌ناپذیر در برابر دشمن یا در برابر موانع، برای رسیدن به هدف، جهاد یعنی



مبارزه، در مبارزه دو چیز حتماً لازم است. یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرکی باشد. دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد، یعنی اینکه یک کسی نخواهد این کار انجام شود». نه اینکه ما خود دشمن را در تلاش اقتصادی، هدف قرار دهیم. بلکه اراده دشمن را که نمی‌خواهد این پیشرفت، این توسعه، این کار برای ما به سامان برسد، را می‌خواهیم به ناکامی برسانیم. اتفاقاً تعبیر زیبایی از امام حسین (ص) داریم که ان الحیاء عقیده و جهد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «همه معنای جهد با شمشیر و تفنگ که نیست. هر تلاش شما یک جهد است». به شرط اینکه نیت صحیح فی سبیل... و جد و جهد و در مقابله با دشمن را هم داشته باشد.

ایشان می‌فرمایند: «جهد یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی یعنی اینکه ما این هدف‌ها را ترسیم کنیم و ارزش‌هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه قوا بکوشیم. اصلاً زندگی جز این معنی ندارد»

مفهوم جهد، یک نگاه عمیق دینی و کاملاً درستی است. گذشته از این که ماهیت جهد را باید ماهیت مبارزه دانست، مبارزه می‌تواند انواع سیاسی، اقتصادی فرهنگی یا نظامی داشته باشد. مبارزه گاهی آشکار و گاهی پنهان است. ولی مسأله این است که این مبارزه در مقابل مانعی است، در مقابل دشمنی است. اگر به این معنی توجه کنیم، باعث می‌شود که تمام انگیزه‌ها و عزم درونی و ظرفیت‌های ما برای اینکه حتماً به هدف برسیم، برانگیخته و مهیا شود.

الزام چهارم: عدم حاشیه‌سازی و عدم تنش است. برای تحقق شعار جهد اقتصادی نباید به موارد فرعی و حاشیه‌ساز پرداخته شود.

الزام پنجم؛ مشارکت همگان است. ایشان در سخنرانی مشهد فرمودند: «یک جمله خطاب به همه ملت ایران است و آن اینکه در این جهد اقتصادی، همه شریک هستند». در جای دیگری می‌فرمایند: «در اداره اقتصاد یک ملت، مصرف هم یک رکن عمده است». مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و جلوگیری از اتلاف مال، نوعی مشارکت است.

ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله، اگر کسی سعی کند فرهنگ کار برای خدا را ترویج دهد، نوعی جهد اقتصادی است ایشان می‌فرمایند: «شما اگر سر کلاس یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهد اقتصادی سهیم باشید. این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهد، این می‌شود جهد اقتصادی.» پس هر کس در هر جایی که باشد می‌تواند مشارکت کند. بالاتر از همه مشارکت بین دولت و مردم، مشارکت بین صنایع مختلف، بین قوا سه گانه در نظام است.

الزام ششم: داشتن دیپلماسی فعال اقتصادی. الزام دیگری که به نظر من می‌رسد ولی مورد تصریح مقام معظم رهبری نبوده است، اینکه ما در تعاملات با کشورهای دیگر و تسهیل شکل‌گیری جهاد اقتصادی که بخواهیم ظرفیت‌های بالقوه را بالفعل کنیم، نیاز به یک دیپلماسی فعال و مؤثر اقتصادی داریم. کارهای بزرگ نیاز به ارتباطات و تعاملات بسیار زیاد با اطراف دارد.

**راهبرد یاس** یکی از پیشنهادهای که در میزگرد مطرح شد، شکل‌گیری شورایی شبیه شورای عالی امنیت ملی است که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی داشته باشد و چنین مرکزی است که دیپلماسی اقتصادی ما را تعیین می‌کند؛ چه بسا در شرایط فعلی، دستگاه دیگری نباشد که بتواند این دیپلماسی را تعیین نماید.

**دکتر علی اکبری:** نیاز است که دستگاه دیپلماسی ما متناسب با این تقاضای جدید، بسترسازی کند. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله به تعامل مؤثر و سازنده اشاره شده است، اما دیپلماسی اقتصادی به طور خاص برای ما نیاز است.

الزام هفتم: تدبیر برای پیشگیری از فساد است، وقتی فعالیت‌های اقتصادی توسعه پیدا می‌کند، به طور قهری و طبیعی لغزشگاه‌ها زیادتر می‌شوند و مخاطرات شکل‌گیری مفاسد و احتمال اینکه برخی سوء استفاده‌ها پیش بیاید، زیاد است.

الزام هشتم در حوزه وضع اصلاح قوانین است. برای یک تحول بزرگ اقتصادی، قوانینی مانند بیمه، بانکداری، گمرک، سرمایه‌گذاری و ... که بعضاً دست و پاگیر هستند، نیاز به اصلاح و بازنگری دارند. چنین قوانینی باید از این جهت مورد ارزیابی قرار بگیرند که تا چه حد برای جهاد اقتصادی مفید هستند.

از طرف دیگر خلأهای قانونی هم داریم. امروزه در بخش‌هایی مانند تعاونی، نیازمند تعیین تکلیف و قوانین راهگشا و مؤثرتری هستیم.

**راهبرد یاس** در چه سطوحی بیشتر این نیاز را داریم؟

**دکتر علی اکبری:** بیشتر در سطوح میانی و پایین است؛ آیین‌نامه‌ها و مقررات. یکی از مشکلات این عرصه، کثرت قوانین، معارض بودن آنها، موازی بودن برخی موارد، عدم شفافیت، قابلیت تفسیرهای گوناگون و ... است.

الزام نهم، روان‌سازی تسهیلات موجود است. تسهیلات خوبی در عرصه اقتصاد وجود دارد. مثلاً تسهیلات بانکی، خدمات دولتی و عمومی فراوان داریم ولی سهولت و روانی لازم را ندارند. مواردی مانند قوانین مربوط به صادرات یا صدور مجوزهای تجاری، فرآیند طولانی دارد یا مراجع پاسخگویی مربوطه، متمرکز نیستند.

الزام دهم: ایجاد یک اتاق فکر نیاز است که تحولات اقتصادی را برای مدیریت جهاد اقتصادی، رصد کند. اگر این رصد انجام شود، از موازی‌کاری‌ها هم جلوگیری می‌شود که در نتیجه، بهره‌وری هم افزایش می‌یابد.

الزام یازدهم، مقابله جدی و اثربخش برای مقابله با تحریم‌ها است. کار گروه خاصی نیاز است که برای این کار تعیین شوند.

الزام دوازدهم، اتکاء و اعتماد به نیروی درونی است. ما بایستی به نیروهای خودمان بیشتر اعتماد کنیم و بخصوص به جوانان، زیرا ظرفیت جهادی بین جوانان و نیروهای درونی کشور وجود دارد. ما بایستی به نیروهای خودی توجه جدی بکنیم. لازم است که از برخی مواردی که توجه نیروهای داخلی را به خارج می‌برد، پرهیز شود.

**یا جذب و به کارگیری کارشناسان و مشاورین اقتصادی بیگانه.**

**دکتر علی اکبری:** بله و آخرین مورد، تحت عنوان الزام سیزدهم این است که به نظر من هم رفع اختلافات مهم است و هم دفع اختلافات. رفع، به این معنی که اگر اختلافی هم پیش آمد نباید ماندگار شود، بلکه ساز و کاری نیاز است که به سهولت اختلافات را برطرف کنیم. دفع اختلاف نیز به معنای پیشگیری از آن است. در طبیعت کارهای اقتصادی احتمال شکل‌گیری اختلاف وجود دارد. بایستی با ساز و کارهای بومی این مشکل را حل کرد که قوه قضائیه می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد.

به نظر می‌رسد با عنایت به الزامات مطروحه، شاخص‌های ارزیابی جهاد اقتصادی را هم بتوان مطرح کرد. چه معیارهایی را می‌توان به عنوان شاخص‌های سنجش میزان موفقیت در دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی می‌توان مطرح کرد؟

**دکتر علی اکبری:** در بحث از شاخص‌ها موارد مدنظر مقام معظم رهبری را می‌توان این طور بیان کرد:

- ۱- رشد ۸ درصدی (با توجه به سیاست‌های برنامه پنجم و چشم‌انداز بیست ساله) که البته در یک سال نمی‌توان به آن رسید ولی هدفی در بلندمدت می‌تواند باشد؛
- ۲- کاهش فاصله در آمدی؛
- ۳- کاهش نرخ بیکاری؛
- ۴- افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
- ۵- کمک به بخش خصوصی؛
- ۶- تقویت تعاونی‌ها؛
- ۷- رونق کسب و کار؛
- ۸- صرفه‌جویی؛
- ۹- افزایش مشارکت مستقیم مردم.

به نظر می‌رسد که از این میان باید دو یا سه شاخص محوری را انتخاب کنیم و بقیه شاخص‌ها را در ذیل آنها بیاوریم. به نظر من شاخص اشتغال و شاخص کاهش فاصله در آمدی و شاخص تقویت تعاونی‌ها می‌توانند سه شاخص محوری باشند. البته توجه داریم که تحولات اقتصادی به خودی خود واجد ارزش نیستند، بلکه اگر مقدمه و ابزاری شوند برای برخی دیگر از آرمان‌های ما، ارزشمند خواهند بود. مثلاً شاخص‌هایی که برای تحقق عدالت کمک بیشتری می‌کنند، ارزش بیشتری دارند.

مقام معظم رهبری در مورد شاخص‌ها می‌فرمایند: «آنچه که در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده در برنامه پنجم است که اعلام شده است، یعنی حداقل رشد ۸ درصدی. در این رشد سهم بیشتر مربوط به بهره‌وری است. یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به نحو بهتری استفاده کنیم. من دو سال قبل در زمینه مسأله صرفه‌جویی

و مشکلاتی که در باب بهره‌وری وجود دارد، در همین سخنرانی اول سال مطالبی عرض کردم که مردم باید اینها را بدانند. من به مسئولان کشور توصیه می‌کنم که در زمینه اهمیت ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور، با مردم حرف بزنند. بگویند ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله درآمدی دهک‌های بالا و پائین جامعه، این شکاف درآمدها، شکاف بین بخش‌های مختلف جامعه چقدر اهمیت دارد. این فاصله و شکاف‌ها مطلوب ما نیست. اسلام این را نمی‌پسندد. تا حدی که در برنامه پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد.»

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال در کشور، از جمله مسائل بسیار اساسی و مهم است. همچنین مسأله افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از جمله مسایل مهم و اساسی است، که یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونی‌ها است، که بوسیله تعاونی‌ها، سرمایه‌های بزرگ تشکیل بشود و بتوانند در مسایل مهم اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری کنند و گره‌های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد. بایستی زیرساخت‌های حقوقی و قانونی‌اش آماده شود. این یعنی حمایت از شکوفایی کار.»

یعنی شاخص شکوفایی کار را خود مقام معظم رهبری بیان فرموده‌اند.

در مورد آسیب‌شناسی هم به عقیده من نکاتی قابل ذکر است. ما نمی‌توانیم نسبت به آسیب‌ها و خطراتی که ممکن است سد و مانع راه این عرصه شوند، بی‌تفاوت باشیم. آسیب‌های احتمالی عبارتند از:

۱- تحریف سخنان رهبری؛ تفسیرهای غلط، برداشت‌های ناصواب و خطا از این عنوان، یک آسیب است. برخی از ذهنیت‌های از پیش تعریف شده نیز نوعی تحریف معنایی محسوب می‌شوند.

۲- برخورد شعاری با این عناوین، که در برخی از موارد در سال‌های قبل وجود داشته و زمینه گله‌مندی را هم فراهم کرده است. اگر با این موارد صرفاً برخورد شعاری یا برخورد قشری و سطحی و تبلیغاتی صرف شود و نه برخورد علمی، حکیمانه و عملیاتی؛ زمینه‌ساز آسیب خواهد بود.

۳- به نظر من یکی از خطرات، فقدان زیرساخت حقوقی و قانونی است که عرض کردم. فقدان زیرساخت‌های حقوقی و قانونی می‌تواند مشکل‌زا باشد.

- ۴- غفلت از سایر اولویت‌ها؛ بسیاری از موارد مانند اخلاق، فرهنگ و ... هم از اولویت برخوردار هستند ولی فوریت با عرصه اقتصاد است. نباید پرداختن به جهاد اقتصادی ما را از سایر موارد غافل کند.
- ۵- ایجاد احساس کاذب نسبت به رونق اقتصادی. می‌توان شکوفایی اقتصادی موقت ایجاد کرد، مثلاً با واردات زیاد و رفاه می‌توان احساس کاذبی ایجاد کرد ولی مهم این است که تولید، رونق داشته باشد و البته تولید نیز باید دانش بنیان باشد.
- ۶- تحریم‌ها می‌تواند خطر محسوب شود؛ اگر تأثیرگذاری از ناحیه تحریم‌ها صورت بگیرد.
- ۷- محقق نشدن شاخص‌ها می‌تواند یک آسیب باشد.
- ۸- فرصت طلبی‌ها و درآمدهای نامشروع و شکل‌گیری فساد نیز آسیب مهمی است.
- ۹- ناامیدی و یأس از همه آسیب‌ها و خطرات مهمتر است.
- ۱۰- غفلت از اسناد، سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده قبلی؛ جهاد اقتصادی و طرح یک راهبرد سالیانه، به معنای نادیده گرفتن سایر راهبردهایی که از قبل طراحی شده، نیست.
- ۱۱- عدم تحقق الزامات هم آسیب است.

آنچه گفته شد مانند ضرورت پرداختن به عرصه اقتصاد و نامگذاری سال بنام جهاد اقتصادی، مفهومی که مقام معظم رهبری از جهاد اقتصادی ارائه فرمودند، بسترها و زمینه‌هایی که برای تحقق جهاد اقتصادی لازم است، الزامات، شاخص‌ها و آسیب‌شناسی؛ همه این موارد را بایستی بنا به تعبیر مقام معظم رهبری، اینها همه اجزایی است از مجموعه یک جهاد عظیم و همه جانبه اقتصادی و باید به همه این موارد توجه داشت.

جناب آقای دکتر عیوضی حضرتعالی در مورد الزامات این مسأله چه می‌فرمائید؟

**دکتر عیوضی:** یکی از الزامات مهم، توجه به عناوینی است که برای سال‌های اخیر در نظر گرفته شد که کار و همت مضاعف و اصلاح الگوی مصرف؛ از آن جمله‌اند. گذشته را باید به



جهد اقتصادی ضمیمه کرد تا کار تکمیل شود. مثلاً همبستگی و مشارکت، قرابت زیادی با سرمایه اجتماعی دارد، که کار زیادی روی آن انجام شده و برای هر کدام از نام‌ها در سال‌های گذشته، پژوهش‌ها، جلسات و همایش‌های بسیاری برگزار شده که استفاده از نتایج آنها برای رسیدن به اهداف جهد اقتصادی مهم است. الزام دیگر برای جهد اقتصادی، الزامات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. ابهام‌زدایی هم الزام دیگری است که انجام آن ضروری است. اهتمام ملی به مسأله جهد و خودآگاهی نسبت به اهمیت این موضوع و نقش اصحاب فکر و اندیشه در تبیین موضوع از جمله الزامات و عوامل مؤثر می‌باشند.

**مهندس نبوی:** جهد اقتصادی تعطیل‌ناپذیر بوده و داشتن روحیه جهادی در آن ضروری است، حال این سؤال پیش می‌آید که آیا جهد بدون قرارگاه امکان دارد؟ در قرارگاه مدیریت کارها برای شناسایی دشمن انجام می‌شود تا تهدیدها، فرصت‌ها را خوب بشناسند و معبرها خوب معلوم شود و نقاط قوت و ضعف داخلی را هم بررسی می‌کنند.

همچنین جهد بدون نقشه عملیات ممکن نیست. طبق این نقشه، وظیفه و مأموریت هر نهاد مشخص می‌شود. باید در این قرارگاه جهد اقتصادی، مهمترین نخبگان اقتصادی گرد هم بیایند و نقشه بکشند و تقسیم کار کنند. به علاوه اهداف را مشخص می‌کنند و موانع را بر می‌دارند تا به اهداف برسند. در این زمینه در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطالعه‌ای با عنوان الزامات چشم‌انداز انجام شده که قسمتی از آن وارد سیاست‌های برنامه ۵ ساله شد. بند اول الزامات این بود که شورایی فراقوه داشته باشیم که بتواند همه قوا را در جهت اهداف اقتصادی هماهنگ کند. این شورا بر امور اقتصادی نظارت کرده و ضمانت اجرایی لازم را بوجود می‌آورد. جایی شبیه شورای عالی امنیت ملی که پشتوانه قوی نظارتی و اجرایی دارد. برای مسائل فرهنگی نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی را داریم.

**ماهر** <sup>پاس</sup>  
جناب آقای مهندس نبوی، به نظر شما و در مقام بررسی چگونگی جهد اقتصادی، چه موضوعات و زمینه‌هایی، اهمیت و اولویت پیدا می‌کنند؟ به عبارت دیگر برای حرکت‌های جهد‌گونه در جهد اقتصادی، چه موضوعاتی مهم است؟

**مهندس نبوی:** به نظر من جهد اقتصادی به واسطه حرکت‌های جهد‌گونه در موضوع‌های گوناگونی در عرصه اقتصادی کشور محقق می‌شود. برخی از این موضوع‌ها به عنوان نمونه

عبارتند از:

- ۱- اطلاعات لازم برای مشارکت مستقیم مردم در عرصه اقتصادی کشور را مسئولان باید در اختیار مردم قرار دهند. در اینجا رسانه‌ها نقش مهمی دارند. رسانه‌ها می‌توانند اطلاعات لازم برای توانمند شدن مردم به منظور مشارکت مستقیم در عرصه اقتصادی کشور را تهیه و مردم را از آنها آگاه نمایند.
- ۲- مشکلات ناشی از نبود بهره‌وری، وجود اسراف، نبود صرفه‌جویی، فاصله زیاد دهک‌های درآمدی و مشکلات مشابه را مردم باید بدانند. از آثار نامطلوب و عوارض این مشکلات و نیز راه‌حل‌های مقابله با آنها آگاه شوند. به عنوان مثال راجع به صرفه‌جویی در مصرف آب. امروز حدود نود درصد آبی که در کشور مصرف می‌شود در بخش کشاورزی است. اگر شیوه‌های آبیاری کشاورزی به گونه‌ای اصلاح شود که از این نود درصد ده درصد کم شود به معنای این است که ظرفیت استفاده از آب در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور غیر از بخش کشاورزی دو برابر می‌شود.
- ۳- همراه با رشد پرشتاب کشور، اشتغال افزایش و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد و به این ترتیب تعدادی دیگر از مسائل اقتصادی کشور حل می‌شوند. این رشد پرشتاب با افزایش سرمایه‌گذاری در حل مسائل اقتصادی کشور دست‌یافتنی است. بخش خصوصی باید در زمینه حل مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری نماید و در این زمینه کمک به بخش خصوصی ضرورت دارد. یک شکل بسیار مهم برای چنین کمک‌هایی ایجاد تعاونی‌هاست. به واسطه تعاونی‌ها سرمایه‌های بزرگ تشکیل می‌شود. سرمایه‌های بزرگی که قابلیت این را دارند که در زمینه مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کنند و این مسائل را حل کنند. دولت و دو قوه دیگر باید در همین راستا اقدام کرده و زیرساخت‌های قانونی و حقوقی لازم برای این تعاونی‌ها را فراهم کنند؛ زیرا این کار به معنای حمایت از شکوفایی کار و تولید در کشور است.
- ۴- در برهه‌ای که برهه جهاد اقتصادی است، دشمنان در برابر انجام حرکت‌های اقتصادی می‌ایستند و کارشکنی می‌کنند و با تمام توان خود سعی می‌کنند که مانع انجام حرکت‌های اقتصادی شوند. مثلاً در جهت ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی ایران و بحرانی نشان دادن وضعیت کشور، تبلیغات فراوانی می‌کنند. در این جا راه حل اصلی

این است که استعدادها، ظرفیت‌ها و امکانات خود را بهتر و بیشتر مورد شناسایی و بهره‌برداری قرار دهیم. به عبارت دیگر به آنچه خود داریم بیشتر اتکا نمائیم.

۵- برای اقتصاد یک کشور مهمترین بخشی که می‌تواند یک رشد پایدار را به وجود آورد، بخش تولید است. بخصوص آن تولیدی که متکی بر دانش است. به بیان دیگر رشد پایدار برای اقتصاد یک کشور را اقتصاد دانش بنیان به دست می‌دهد. یعنی اقتصادی که در آن اقتصاد، تولید بر پایه دانش است. معمول است که برای اقتصاد دانش بنیان، چهار رکن را بر می‌شمارند. هرچه در یک کشور، این چهار رکن قوی‌تر باشد، آن کشور به اقتصاد دانش بنیان بیشتر دست یافته است. این چهار رکن عبارتند از قدرت نظام اقتصادی یک کشور، کیفیت آموزش در یک کشور، سطح نوآوری‌ها در یک کشور و وضعیت زیرساخت‌های فن آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در یک کشور. برای سنجش اینکه یک کشور در مقایسه با کشورهای دیگر در دستیابی به اقتصاد دانش بنیان چقدر موفق بوده است، وضعیت این چهار رکن اقتصاد دانش بنیان در هر کشور را براساس شاخص‌هایی که از صفر تا ده امتیازبندی شده‌اند، برآورد می‌کنند. عددی که برای این شاخص‌ها برآورد می‌شود، هرچه به عدد ده نزدیکتر باشد؛ امتیاز بالاتر را نشان می‌دهد. در آخرین برآوردی که راجع به وضعیت اقتصاد دانش بنیان در کشور ایران ارائه شده است، در شاخص مربوط به قدرت نظام اقتصادی، عددی نزدیک به صفر، در شاخص مربوط به کیفیت آموزش، عددی پایین‌تر از پنج ولی نزدیک به آن، در شاخص مربوط به سطح نوآوری‌ها، عددی پایین‌تر و دور از پنج و در شاخص مربوط به وضعیت زیرساخت‌های فن آوری اطلاعات و ارتباطات، عددی بیشتر از پنج ولی نزدیک به آن، برآورد شده است. این عددی برآوردی نشان می‌دهند که شاخص فضای کسب و کار در ایران، در سطح پایینی قرار دارد. به این ترتیب حرکت جهادگونه برای تحقق اقتصاد دانش بنیان در کشور ایران، جهاد اقتصادی است.

۶- رفع مشکلات مردم و تأمین نیازهای مردم با حرکت‌های جهادگونه نمونه‌ای دیگر از جهاد اقتصادی است.

۷- در جهاد اقتصادی، همه مردم از همه قشرها و نیز همه مسئولان شریکند. هرکس باید حرکت اقتصادی مربوط به خود را در شکل جهادگونه آن بشناسد و انجام دهد.

مصرف کنندگان با حرکت جهادگونه باید به سمت مصرف درست، مصرف خوب، مصرف دور از اسراف و تبذیر و اتلاف مال بروند. کسانی که در حوزه فرهنگ فعال هستند باید با مجاهدت، فرهنگ کار و تلاش برای خدا را در جامعه گسترش دهند. به عنوان مثال سر یک کلاس، یک معلم می‌تواند با آموزش چنین فرهنگی به نوجوانان و جوانان در همین راستا اقدام کند.

۸- در ارتباط با بخش نفت و گاز در اقتصاد ایران، در خصوص حقوق نفت و گاز و اقتصاد نفت و گاز مسأله‌های مهمی وجود دارد. پرداختن به مسأله‌های حقوقی و اقتصادی بخش نفت و گاز در اقتصاد ایران به حرکت‌هایی مجاهدت‌آمیز نیاز دارد.

با تشکر از حضور سروران و اساتید محترم در این میزگرد. موفق و سربلند باشید.

